

درسی که سینیگال
به بروس داد

قیمت گذاری پایین اما بدون اجبار



بررسی آخرین وضعیت اکوسیستم سلامت دیجیتال در میزگردی با حضور مدیران عامل حال، بقراط و زینو

برخی پلتفرم‌ها فقط منافع خود را دنبال می‌کنند



گفت و گو با سیدهد میرکریمی
مدیرعامل پزشکی
رابطه مان بارگولاتور
سلامت مشارکتی نیست

سیاست دوگانه در قبال نیروی کار

جنگال اخراج‌های
مایکروسافت:
از خشم کارمندان تا
واکنش معاون
رییس‌جمهور آمریکا



ارجاع نامه
سازمان نصر به
وزیر ارتباطات
بررسی برخوردهای
سلیقه‌ای در اقتصاد
دیجیتال

۳



رفت و برگشت یک
لایحه جنجالی
ماجرای لایحه مقابله با
محتوای خلاف واقع در
فضای مجازی چه بود و
چه شد؟

۴



یک قوطی کبریت
خاطره‌انگیز
درباره صنعت
کبریت‌سازی که کم‌کم
در حال تبدیل شدن به
نوستالژی است

۱۴



ASTRONOMER

چرا همه با HR چپ هستند؟! راز بزرگ‌تری که کنسرت کلدپلی فاش کرد

اینجا کسی کارآفرین را دوست ندارد



کارآفرینی در ایران، انتخابی برای تنهایی است

اینجا کسی کارآفرین را دوست ندارد

البته از بیرون که نگاه کنیم، بسیاری از کارآفرینان موفق تنها به نظر نمی‌رسند. دورشان همیشه شلوغ است؛ پر از همکار، مشاور و سرمایه‌گذار. اما کافی‌ست بحرانی پدید آید تا وزن واقعی تنهایی مشخص شود. آنجا که دیگر خبری از دست‌های یاریگر نیست، آنجا که بایستی خودت راه را پیدا کنی، دوام بیاوری و ادامه دهی.

در اکوسیستم‌های توسعه یافته، کارآفرین تنها نیست. شبکه‌های حمایتی، زیرساخت‌های حرفه‌ای، پذیرش شکست و نگاه مثبت به نوآوری، بخشی از زیست‌بوم کارآفرینی‌اند. اما در ایران، کارآفرین در خلأ رشد می‌کند؛ با کمترین منابع، بیشترین مسئولیت و در غیاب همدلی عمومی.

واقعیت این است که کارآفرینی در ایران، فقط یک مسیر شغلی نیست؛ یک شیوه زندگی است. سبکی از زیستن که با خودآگاهی و رنج و سکوت گره خورده. راهی که در آن، موفقیت تنها پاداش ماندن و جنگیدن در دل تنهایی است. شاید مهم‌ترین مهارتی که یک کارآفرین باید در این سرزمین بیاموزد، مهارت ادامه دادن در تنهایی باشد. توان خلق امید، در دل ناامیدی. توان حفظ انگیزه، در غیاب تأیید و توان حرکت، وقتی کسی تشویقت نمی‌کند. ما در کارنگ، داستان‌هایی از دل همین تنهایی روایت می‌کنیم؛ داستان‌هایی از آدم‌هایی که خواسته‌اند راهی تازه باز کنند حتی اگر هیچ‌کس آن‌ها را همراهی نکند.

کارآفرین ایرانی تنهاست؛ تنها از هر کس دیگری. گرچه سال‌هاست باور کرده‌ایم انسان، موجودی تنهاست، حتی اگر میان دیگران زندگی کند؛ اما تنهایی کارآفرین، جنس دیگری دارد؛ غریب‌تر، عمیق‌تر و گاه فرساینده‌تر.

کارآفرینی در ذات خود، تصمیمی است برای متفاوت بودن؛ برای ساختن چیزی از هیچ، برای رفتن به راهی که پیش از تو یا کسی نرفته، یا اگر رفته، مسیرش را برای تو هموار نکرده. این انتخاب، روحیه‌ای می‌خواهد که با ساعت کاری معمول هماهنگ نیست، با تعطیلات عمومی جور نمی‌شود و حتی تفریح و منابع آرامشش هم از جنس دیگران نیست. همین تفاوت‌ها، آرام‌آرام، کارآفرین را از جمع جدا می‌کند.

وقتی صحبت می‌کند، از دغدغه‌هایش درباره کسب و کار می‌گوید؛ از چالش‌های خلق یک محصول، از سرمایه‌گذاری، از تیم، از رؤیاهایی که در ذهنش می‌پروراند؛ اما خیلی زود درمی‌یابد که گوش شنوا کم است. اطرافیان شاید در آغاز با او همراهی کنند، اما با گذشت زمان، نگاه‌ها و واکنش‌هایشان بی‌حوصلگی را فریاد می‌زند. کم‌کم، کارآفرین سکوت را ترجیح می‌دهد؛ خود را در پیله‌ای می‌پیچد و تنها تر می‌شود.



مینا والی
مدیرمسئول



@mina_vali



KARANG

شماره ۱۶۹ | ۱۲ مرداد ۱۴۰۴ | سال پنجم | کارنگ؛ هفته‌نامه اقتصاد نوآوری ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مینا والی
شورای سردبیری: رضا قربانی، مینا والی
رسول قربانی، رضا جمیلی
میثم سلیمانی، مینا حاجی
سردبیر: رضا جمیلی
دبیر تحریریه: مهسا نجاتی
تحریریه: غزل یگانگی
هانا حیدری، زهرا قربانی
یاسمن رثوفیان

مدیرهنری: روح‌اله گیتی‌نژاد
مدیرفنی: علیرضا کیوان
صفحه‌آرا: علیرضا کیوان
وب‌سایت: محمد قربانی
شبکه‌های اجتماعی: علی موسوی
اجرایی: قادر شهبازی
چاپ: هنر اشکن
مالی و اداری: حانیه صالحی
فروش و مشتریان: ساناز محمدنژاد

نشانی: تهران، جنت‌آباد جنوبی، خیابان لاله غربی، خیابان حدیث، کوچه حدیث دوم، پلاک ۸
وب‌سایت: karangweekly.ir

معافیت شرکت‌های دانش‌بنیان از پرداخت ضرایب بیمه قراردادهای

گامی در راستای کاهش هزینه‌ها و حمایت از نوآوری



دانش‌بنیان و بند ۱۹ بخش‌نامه تنقیح و تلخیص ضوابط بیمه‌ای مقاطعه‌کاران سازمان تأمین اجتماعی اعمال می‌شود. شرکت‌های متقاضی باید مدارکی نظیر نامه اتمام قرارداد، تصویر قرارداد یا فاکتور رسمی، صورت حساب‌ها، لیست بیمه کارکنان و پیوست‌های فنی را ارائه دهند. پس از تأیید معاونت علمی، نامه معافیت به صورت آنلاین صادر شده و شرکت‌ها با ارائه نسخه چاپی آن به شعب تأمین اجتماعی، مفصاحساب با ضریب صفر دریافت می‌کنند.

تورج امرایی، معاون توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان، از تصویب شیوه‌نامه جدید معافیت از ضرایب حق بیمه قراردادهای شرکت‌های دانش‌بنیان خبر داد. این شیوه‌نامه، بر اساس تفاهم‌نامه میان معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان ریاست جمهوری و سازمان تأمین اجتماعی و با استناد به قانون جهش تولید دانش‌بنیان تدوین شده است. این اقدام با هدف کاهش هزینه‌های شرکت‌های دانش‌بنیان و تسهیل فعالیت‌های نوآورانه انجام شده است. بر اساس شیوه‌نامه جدید، شرکت‌هایی که قراردادهای پیمانکاری آنها در حوزه‌های دانش‌بنیان باشد و مورد تأیید معاونت علمی قرار گیرد، از پرداخت ضرایب حق بیمه معاف می‌شوند. امرایی اظهار داشت: «از سال ۱۳۹۷، شرکت‌های دانش‌بنیان با رعایت شرایطی از این معافیت برخوردار بوده‌اند و شیوه‌نامه جدید برای شفاف‌سازی و به‌روزرسانی این فرایند تدوین شده است.»

این معافیت بر اساس ماده (۷) قانون جهش تولید

تا ۳۵ درصد تخفیف برای ارتقاء تجربه گیمینگ نسل جدید

کمپین تابستانه گیمینگ تکنولایف آغاز شد

طراحی یک لندینگ اختصاصی و کاربرپسند، امکان انتخاب سریع و هوشمندانه محصولات را برای کاربران فراهم کرده است. این لندینگ به گیمرها کمک می‌کند تا با توجه به نیازهای خود، بهترین تجهیزات را انتخاب کنند. یکی از ویژگی‌های برجسته این کمپین، ارائه پکیج‌های پیشنهادی برای تجهیز اتاق گیمینگ حرفه‌ای است که هم برای گیمرهای مبتدی و هم حرفه‌ای مناسب است. روابط عمومی تکنوگروپ اعلام کرد: «هدف ما فراتر از فروش است؛ ما می‌خواهیم با ساده‌سازی فرایند خرید و ارائه تجربه‌ای لذت‌بخش، گیمرها را در مسیر ارتقاء تجهیزاتشان همراهی کنیم.»

ارزش ۲۰۲ درصدی اسنپ‌پی تا عبور از مرز ۸ میلیون کاربر

گزارش عملکرد گروه اسنپ در سال ۱۴۰۳

میلیون نفر رسیده که ۱۲.۶۷ درصد رشد نسبت به سال ۱۴۰۲ نشان می‌دهد. کاربران فعال نیز به ۳۹.۲ میلیون نفر رسیده‌اند. سوپر اپ اسنپ بیش از ۸.۵ میلیارد بار باز شده و رشد ۶۰ درصدی در دفعات بازدید داشته است. سرویس‌های پربازدید شامل اسنپ خودرو، غذا، سوپرمارکت، اعتباری و باکس هستند.

اسنپ در حوزه مسئولیت اجتماعی بیش از ۲۰۰ میلیارد تومان هزینه کرده که ۱۸۲ میلیارد تومان آن به معافیت کمیسیون رانندگان اختصاص یافته است. طرح‌های نیکوکاری اسنپ کلاب نیز با ارزش ۳ میلیارد تومان اجرا شده‌اند، هرچند نسبت به سال گذشته کاهش داشته‌اند. اسنپ خودرو با ۱.۵ میلیارد سفر و ۸۸.۷ درصد سهم بازار تاکسی‌های اینترنتی، در ۴۲۴ شهر فعال است. تهران با ۳۳۷ میلیون سفر، پیش‌تاز است. اسنپ‌فود در ۱۷۸ شهر فعال بوده و کباب، جوجه کباب و پیتزا محبوب‌ترین غذاها هستند. اسنپ‌مارکت با ۳۶۵ میلیون قلم کالا و اسنپ‌تریپ با رشد ۴۱ درصدی فروش خدمات سفر، عملکرد موفقی داشته‌اند. اسنپ‌دکتر نیز رشد ۶۲.۷ درصدی در مشاوره‌های متنی را تجربه کرده است.

این گزارش نشان‌دهنده رشد پایدار اسنپ در حوزه‌های مختلف و تعهد به مسئولیت اجتماعی است.



گروه اسنپ در گزارش عملکرد سال ۱۴۰۳ خود، که بازه زمانی یکم فروردین تا ۳۰ اسفند را پوشش می‌دهد، آمار قابل توجهی از رشد خدمات و منابع انسانی ارائه کرده است. این گزارش، ششمین گزارش سالانه اسنپ، عملکرد شرکت‌های زیرمجموعه این گروه را بررسی می‌کند. تعداد کارکنان اسنپ به ۸,۷۸۴ نفر رسیده که ۵۰.۲ درصد آن‌ها بانوان هستند. میانگین سنی کارکنان ۳۰.۹ سال و ۴۵ درصد آن‌ها از نسل Z هستند. رشد تعداد کارکنان نسبت به سال گذشته ۱۶.۷ درصد بوده و تعداد همکاران زن ۶۰.۱ درصد افزایش یافته است. اسنپ‌پی با ۲۰۲ درصد رشد در تعداد سفارش‌های موفق، رکورددار رشد خدمات اسنپ در سال ۱۴۰۳ است. تعداد کاربران سوپر اپلیکیشن به ۸۱.۵



شماره ۱۶۹
۱۲ مرداد ۱۴۰۴
سال پنجم



جهش خرید آنلاین در بحران
تحلیل داده‌های اوانو در بازه
۱۲ روزه جنگ نشان‌دهنده افزایش ۵۹
درصدی سفارش‌های آنلاین، کاهش
۳۶ درصدی خرید حضوری، گرایش
به کالاهای ضروری و رشد ۲۹ درصدی
استفاده از اعتبار و خرید اقساطی است.



۶۵ درصد شرکت‌های
دانش‌بنیان بدون تسهیلات
حامد رفیعی، رئیس مرکز تأمین مالی
معاونت علمی اعلام کرد ۶۵ درصد
شرکت‌های دانش‌بنیان هیچ تسهیلاتی
دریافت نکرده‌اند.



تکذیب افزایش قیمت اینترنت
ایرانسل

ایرانسل شایعات افزایش قیمت بسته‌های
اینترنت همراه را رد و اعلام کرد قیمت‌ها از
دی ۱۴۰۲ تغییری نداشته است.



درآمد ۱۱۱۸ میلیارد تومانی
آسیاتک

آسیاتک در تیرماه با کسب درآمد ۳۲۳
میلیارد تومانی از طریق فروش خدمات
اینترنت، رشد ۱۴ درصدی نسبت به خرداد
را تجربه کرد.



شماره ۱۶۹
۱۲ مرداد ۱۴۰۴
سال پنجم

است. دوره‌های فاز اول و دوم، شامل «Associate Cloud Architect»، «Foundational Cloud Practitioner»، «Professional DevOps Engineer» و «Associate DevOps Engineer»، پیش‌تر در بهار و سال گذشته منتشر شده بودند. این دوره‌ها با هدف تقویت مهارت‌های عملی و تئوری در حوزه فناوری ابری طراحی شده‌اند. آروان آکادمی با تکمیل این مسیر و افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان به بیش از هزار نفر، گامی مهم در تربیت متخصصان کلاود برداشته است.

ساعت تمرین است.

مسیر آموزشی آروان آکادمی از دورشته اصلی «Cloud Architect» و «DevOps Engineer» تشکیل شده که در مجموع ۷۲۰ ساعت محتوای آموزشی و تمرینی را دربرمی‌گیرد. این مسیر در یک سال گذشته ۴۷۱۲۰ ساعت تماشای ویدئو توسط ۱۲۶۰۰ دانش‌پذیر داشته و نزدیک به هزار نفر گواهی پایان دوره دریافت کرده‌اند. این موفقیت نشان‌دهنده استقبال گسترده از این برنامه آموزشی

آروان آکادمی با انتشار فاز سوم و نهایی مسیر آموزشی خود، دو دوره تخصصی «Professional Cloud Architect» و «Expert DevOps Engineer» را ارائه کرد. این دوره‌ها با همکاری متخصصانی چون آرش حاتم‌ی، محمدرضا داورزنی، محمود احمدی و محمدعرفان شمس طراحی شده و بخشی از مسیر آموزشی ۱۸۰ ساعته با ۵۴۰ ساعت تمرین در حوزه کلاود هستند. دوره معماری ابری شامل ۱۶ ساعت آموزش و ۴۸ ساعت تمرین و دوره دواپس شامل ۱۸ ساعت آموزش و ۵۴

هشدار درباره تبعات یک تصمیم

بیانیه انجمن تجارت الکترونیک درباره رد صلاحیت مؤسس دیوار

تصمیماتی، اعتماد به اقتصاد دیجیتال و امید ملی را تضعیف می‌کند. ورود به بازار سرمایه، تنها راه رشد شفاف برای کسب و کارهای دیجیتال بود که اکنون در معرض تهدید قرار گرفته است.

انجمن تجارت الکترونیک اعلام کرد که این موضوع را تا رسیدن به پاسخ‌های روشن پیگیری خواهد کرد و به‌زودی نشست تخصصی با حضور نهادهای نظارتی، مسئولان بازار سرمایه و مدیران کسب و کارها برگزار می‌کند تا این مسئله در گفت‌وگویی ملی بررسی شود.

امنیت سرمایه‌گذاری را به خطر می‌اندازد. «انجمن همچنین مداخله یک نهاد امنیتی (سازمان اطلاعات سپاه) در فرایند تشخیص صلاحیت شرکت‌ها را فاقد شفافیت حقوقی دانسته و خواستار پاسخگویی نهادهای مسئول شد.

این اقدام در حالی رخ داده که کشور در دو ماه اخیر با چالش‌هایی چون جنگ ۱۲ روزه مواجه بوده و بخش خصوصی برای حفظ پایداری کسب و کارها تلاش کرده است. انجمن هشدار داد که چنین

انجمن تجارت الکترونیک تهران در بیانیه‌ای، رد صلاحیت حسام آرمندهی، مؤسس و رئیس هیئت‌مدیره پلتفرم دیوار برای ورود به بازار سرمایه را تهدیدی علیه مالکیت خصوصی و امنیت سرمایه‌گذاری در اقتصاد دیجیتال دانست. این انجمن با ابراز نگرانی عمیق، این اقدام را نشانه‌ای نگران‌کننده برای آینده اقتصاد دانش‌بنیان و تضعیف‌کننده استقلال نهادهای قانونی مانند سازمان بورس توصیف کرد. در این بیانیه آمده است: «این تصمیم فراتر از یک شرکت، حق کارآفرین برای مدیریت کسب و کار خود را زیر سؤال برده و

معاون اول رئیس جمهور خواستار بررسی برخوردهای سلیقه‌ای در اقتصاد دیجیتال شد

ارجاع نامه سازمان نصر به وزیر ارتباطات

داوطلبانه اقدام به مدیریت بازار و آرام‌سازی فضای کاربران کرده‌اند، اما متأسفانه پس از بحران، خود با محدودیت‌هایی نظیر مسدود شدن درگاه‌های بانکی مواجه شده‌اند. این وضعیت، نه تنها امنیت سرمایه مردم را تهدید کرده، بلکه اعتماد عمومی به فناوری‌های بومی را نیز با چالش مواجه ساخته است. در ادامه این نامه، سازمان نصر با اشاره به تجربه کشورهای دیگر، خواستار پرهیز از برخوردهای شتاب‌زده و سلیقه‌ای شده و تأکید کرده است که حوزه اقتصاد دیجیتال باید با قانون‌گذاری هدفمند، نگاه توسعه‌گرایانه و سیاست‌گذاری هماهنگ بین دستگاهی مدیریت شود. در پی این درخواست، دفتر معاون اول رئیس جمهور با ارجاع نامه به سیدستار هاشمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، خواستار بررسی و ارائه نظر کارشناسی برای تصمیم‌گیری بعدی شده است.

با پیگیری‌های انجام‌شده از سوی سازمان نظام صنفی رایانه‌ای کشور در خصوص ضرورت حمایت جدی‌تر از زیست‌بوم اقتصاد دیجیتال و مقابله با برخوردهای سلیقه‌ای در این حوزه، دفتر معاون اول رئیس جمهور طی مکاتبه‌ای رسمی با وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، خواستار بررسی و اعلام نظر درباره درخواست‌های مطرح‌شده شد.

به گزارش روابط عمومی نظام صنفی رایانه‌ای کشور، علی حکیم جواد، رئیس سازمان نصر کشور، در نامه‌ای به محمدرضا عارف، معاون اول رئیس جمهور، به آسیب‌های ناشی از برخوردهای سلیقه‌ای در حوزه رمزارزها و سکوها بومی به‌ویژه در جریان جنگ ۱۲ روزه سایبری اخیر اشاره کرد. در متن نامه سازمان نصر تأکید شده بود که در جریان حملات اخیر، برخی پلتفرم‌های بومی فعال در حوزه رمزارز، به‌رغم نبود حمایت کافی، به‌صورت





نهادهای صنفی فناوری اطلاعات قطع فضای مجازی را تهدیدی برای امنیت ملی، اقتصاد و جامعه می دانند

هشدار درباره تبعات قطع اینترنت در ایران

پنج نهاد صنفی حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات، شامل سازمان نظام صنفی رایانه‌ای کشور، اتحادیه کشوری کسب و کارهای مجازی، کمیسیون فناوری اطلاعات و ارتباطات اتاق ایران، کمیسیون تحول، نوآوری و بهره‌وری اتاق بازرگانی تهران و انجمن تجارت الکترونیک تهران، در نامه‌ای خطاب به رئیس جمهور مسعود پزشکیان، شورای عالی امنیت ملی و شورای عالی فضای مجازی، نسبت به پیامدهای امنیتی، اقتصادی و اجتماعی قطع یا محدودسازی گسترده اینترنت جهانی هشدار دادند. این نهادها تأکید کردند که انسداد اینترنت نه تنها راه‌حلی برای تهدیدات سایبری نیست، بلکه می‌تواند به تضعیف حکمرانی ملی، تشدید محاصره اقتصادی ایران و تخریب زیرساخت‌های فناورانه منجر شود.

در این نامه، با اشاره به حملات اخیر رژیم صهیونیستی، آمده است که محدودسازی اینترنت به جای تقویت توان داخلی برای مقابله با تهدیدات نوین، بحران‌های جدی‌تری ایجاد می‌کند. تجربه محدودیت‌های گذشته در رسانه‌های داخلی، به مهاجرت گسترده روزنامه‌نگاران و متخصصان منجر شد و میدان رسانه‌ای کشور را به بازیگران خارجی واگذار کرد. قطع اینترنت نیز می‌تواند همین سرنوشت را برای فضای مجازی رقم بزند، با خروج خبگان این حوزه و واگذاری بازار به خدماتی مانند استارلینک، که خارج از کنترل حاکمیت عمل می‌کنند و عملاً میدان را از دسترس سیاست‌گذاری ملی خارج می‌کنند.

در این نامه، با اشاره به حملات اخیر رژیم صهیونیستی، آمده است که محدودسازی اینترنت به جای تقویت توان داخلی برای مقابله با تهدیدات نوین، بحران‌های جدی‌تری ایجاد می‌کند. تجربه محدودیت‌های گذشته در رسانه‌های داخلی، به مهاجرت گسترده روزنامه‌نگاران و متخصصان منجر شد و میدان رسانه‌ای کشور را به بازیگران خارجی واگذار کرد. قطع اینترنت نیز می‌تواند همین سرنوشت را برای فضای مجازی رقم بزند، با خروج خبگان این حوزه و واگذاری بازار به خدماتی مانند استارلینک، که خارج از کنترل حاکمیت عمل می‌کنند و عملاً میدان را از دسترس سیاست‌گذاری ملی خارج می‌کنند.

این نهادها در پایان تأکید کردند که پیشرفت، امنیت و اقتدار کشور از طریق تعامل هوشمندانه با فناوری جهانی و حمایت از خبگان داخلی ممکن است، نه انزوا و قطع ارتباط. آن‌ها قطع کامل اینترنت را تنها به عنوان آخرین اقدام دفاعی و با دستور مستقیم رئیس جمهور قابل قبول دانستند و برای همکاری در تقویت زیرساخت‌های ملی، ارتقای تاب‌آوری دیجیتال و بهره‌برداری از فرصت‌های فناورانه اعلام آمادگی کردند.



رفت و برگشت یک



گزارش
REPORT



لایحه جنجالی

ماجرای لایحه مقابله با محتوای خلاف واقع در فضای مجازی چه بود و چه شد؟

در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی در تاریخ پنجم مرداد ۱۴۰۴، نمایندگان با ۲۰۵ رأی موافق، ۴۲ رأی مخالف و ۳ رأی ممتنع از مجموع ۲۶۰ نماینده حاضر، با دو فوریت لایحه مقابله با انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی موافقت کردند. این لایحه توسط مسعود پزشکیان، رئیس جمهور، در تاریخ ۳۰ تیرماه ۱۴۰۴ برای انجام تشریفات قانونی به مجلس ارسال شده بود. این لایحه جنجالی واکنش‌های گسترده‌ای در میان کارشناسان، اصحاب رسانه و کاربران فضای مجازی به دنبال داشت، به‌طوری‌که معاونت حقوقی ریاست جمهوری و وزارت دادگستری توضیحاتی رسمی در این خصوص ارائه دادند و انجمن صنفی روزنامه‌نگاران آن را پرخطرتر از طرح صیانت نامید. لایحه‌ای که سرانجام توسط دولت پس گرفته شد. بد ندیدیم در این گزارش به بررسی جزئیات منتشرشده از این لایحه، دیدگاه‌های موافقان و مخالفان، پاسخ‌های نهادهای دولتی، اصلاحات انجام‌شده و واکنش‌های کاربران بپردازیم و در صفحه روبه‌رو شرح برگشت آن را بنویسیم.

و حاکمیت می‌شود و پرسید آیا فوریت امروز کشور، بستن دهان منتقدان و محدودسازی رسانه است؟ موسوی با استناد به اصل ۲۴ قانون اساسی تأکید کرد که مطبوعات و رسانه‌ها در بیان مطلب آزاد هستند، مگر آنکه مخل مبانی اسلام و حقوق عمومی باشد، و اولویت کشور را حل مشکلات معیشتی دانست. علی آذری، نماینده قوچان، نیز در مخالفت با دو فوریت این لایحه گفت که فضای مجازی باید ساماندهی شود، اما این لایحه خام است و ایرادات زیادی دارد. او به استفاده از واژگان مبهم مانند محتوای خلاف واقع، تشویش اذهان عمومی، ذی‌نفع، خسارت‌های شدید جبران‌ناپذیر و مخل امنیت داخلی و خارجی اشاره کرد که تفسیرپذیر هستند و می‌توانند به سوءاستفاده منجر شوند.

در مقابل، سید نجیب حسینی، نماینده مینودشت، در موافقت با دو فوریت این لایحه اظهار داشت که در فضای مجازی خلأ قانونی وجود داشته و دلسوزان نظام از نبود چارچوبی برای بررسی محتوای منتشره گله‌مند بودند. او با اشاره به جنگ ۱۲ روزه اخیر گفت که بیشترین اهرم جاسوسی و نفوذ از طریق فضاهای رسانه‌ای بود که اطلاعات اشتباه در اختیار مردم قرار می‌دادند، و اگر فضای مجازی کنترل نشود، دشمن در این فضا پیروز خواهد شد. زهرا سعیدی، نماینده مبارکه، نیز اظهار کرد که نباید اجازه دهیم انسجام ملی و همدلی مردم از بین برود. او افزود که این لایحه تناقضی با آزادی بیان ندارد و هدف آن جلوگیری از انتشار اخبار جعلی توسط افرادی است که بدون مجوز رسانه ایجاد می‌کنند، نه محدود کردن رسانه‌های رسمی و خبرنگاران.

پاسخ وزارت دادگستری به انتقادات

انتقادات گسترده به این لایحه باعث شد وزارت

ضرورت تفکیک اخبار صحیح از ناصحیح

کاظم دلخوش، معاون امور تقنینی معاونت امور مجلس رئیس جمهور، درباره این لایحه اظهار کرد که لایحه مقابله با انتشار محتوای خلاف واقع در فضای مجازی ۲۲ ماده دارد و ممکن است ایراداتی داشته باشد، اما با تصویب دو فوریت و کلیات، این ایرادات در جزئیات با کمک نمایندگان برطرف خواهد شد. او با تأکید بر توسعه جریان اطلاعات و اخبار گفت که هیچ‌کس با این فضا مخالفتی ندارد و حتی به‌عنوان ابزار اقتصادی استفاده می‌شود، اما تبعات منفی ناشی از اخبار تحریف‌شده، آسیب به امنیت جامعه و عوام‌فریبی باعث تضعیف انسجام ملی می‌شود. دلخوش افزود که تفکیک اخبار صحیح از ناصحیح می‌تواند به انسجام جامعه کمک کند. این لایحه صرفاً درگاه‌های نشر عمومی با بیش از یک‌هزارم جمعیت عضو را هدف قرار داده و سامانه‌ای ثبت‌محور برای اطلاع‌رسانی، گزارش‌گیری مردمی و انتشار تکذیبیه پیش‌بینی کرده است. مجازات‌های پیش‌بینی‌شده شامل حبس درجه شش، یعنی ۶ ماه تا ۲ سال زندان، برای افرادی است که به‌صورت آگاهانه و عمدی محتوای خلاف واقع در این درگاه‌ها منتشر کنند، و در صورتی که جرم توسط افراد اثرگذار یا علیه امنیت ملی باشد، مجازات تشدید می‌شود.

دیدگاه‌های موافقان و مخالفان در مجلس

سید فرید موسوی، نماینده عجب‌شیر و مراغه، در جلسه علنی مجلس در مخالفت با دو فوریت این لایحه اظهار داشت که کشور نیازمند انسجام ملی و اعتماد عمومی است و این لایحه مطابق با مصالح کشور نیست. او افزود که تصویب این لایحه منجر به گسست بیشتر میان مردم



هانا حیدری
خبرنگار
hannaheidari93@gmail.com



شماره ۱۶۹
۱۲ مرداد ۱۴۰۴
سال پنجم



دولت لایحه «مقابله با نشر محتوای خلاف واقع» را پس گرفت اعتراضی‌ها به لایحه مقابله با اخبار خلاف واقع منجر به عقب‌نشینی دولت شد

محمد رهبری، مشاور وزیر ارتباطات، پیش‌تر این لایحه را در تعارض با امنیت ملی دانسته و هشدار داده بود که اجرای آن ممکن است کاربران را به استفاده از حساب‌های ناشناس سوق دهد؛ موضوعی که می‌تواند اعتماد عمومی و انسجام اجتماعی را به خطر اندازد. همچنین، مرکز پژوهش‌های مجلس با تأکید بر کفایت قوانین موجود در زمینه مقابله با انتشار اخبار کذب، اعلام کرد که تصویب این لایحه نه‌تنها ضرورتی ندارد، بلکه باعث «تورم قوانین کیفری» و تضعیف نظام قضایی خواهد شد.

این مرکز خاطرنشان کرد که قوانین کنونی، از جمله مواد ۶۹۸ و ۷۴۶ قانون مجازات اسلامی و قانون جرایم رایانه‌ای، به‌طور کامل حقوق دیجیتال را پوشش می‌دهند و قانون جدید تنها به پیچیدگی‌های غیرضروری و سردرگمی قانون‌گذاران و شهروندان منجر خواهد شد. انجمن صنفی روزنامه‌نگاران نیز هشدار داده بود که تعریف مبهم و بدون معیار شفاف برای «محتوای خلاف واقع» می‌تواند به اعمال سلیقه‌ای قانون منجر شود و حقوق رسانه‌ای و آزادی بیان را تهدید کند.

به نظر می‌رسد این لایحه بدون مشارکت کافی جامعه و نخبگان تدوین شده و با تکرار مفاد قوانین موجود، بدون ارائه اصلاحات کیفی یا شفاف‌سازی مسئولیت‌ها، به مجلس ارائه شده بود. از همان ابتدا، مباحث حقوقی، رسانه‌ای و سیاسی این لایحه مورد انتقاد گسترده نخبگان قرار داشت و واکنش سریع افکار عمومی، نقش تعیین‌کننده‌ای در توقف آن ایفا کرد.

لایحه جنجالی «مقابله با اخبار خلاف واقع در فضای مجازی» که با دو فوریت در مجلس به تصویب رسیده بود، تنها ۴۸ ساعت پس از این تصمیم، تحت فشار افکار عمومی و نخبگان از سوی دولت پس گرفته شد. این اقدام، بیش از هر چیز نشان‌دهنده تأثیرگذاری واکنش سریع کاربران، فعالان اجتماعی و نخبگان در شکل‌دهی به سیاست‌گذاری‌های دیجیتال در کشور است.

در جلسه هیئت دولت، لایحه «مقابله با انتشار محتوای خلاف واقع در فضای مجازی» با مصوبه اعضای هیئت و بنا به تأکید رئیس‌جمهور از دستور کار دولت خارج شد. فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، این خبر را در صفحه شخصی خود در شبکه اجتماعی ایکس اعلام کرد و نوشت: «در راستای حفظ انسجام ملی و تأکید رئیس‌جمهور، استرداد لایحه فضای مجازی در جلسه امروز دولت مصوب شد.»

روز یکشنبه ۵ مرداد، نمایندگان مجلس با ۲۰۵ رأی موافق از مجموع ۲۶۰ رأی حاضر، دو فوریت لایحه ۲۲ ماده‌ای مقابله با انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی را تصویب کردند. این لایحه با رویکردی گسترده، مصادیق متعددی را در حوزه دیجیتال به‌عنوان جرم معرفی می‌کرد و نگرانی‌های گسترده‌ای را در میان فعالان رسانه‌ای و حقوقی برانگیخت. با این حال، در جلسه بعدی هیئت دولت، به پیشنهاد رئیس‌جمهور و با هدف «حفظ انسجام ملی»، تصمیم به پس‌گرفتن این لایحه گرفته شد. سخنگوی دولت این عقب‌نشینی را نتیجه توجه به نظرات نخبگان و ضرورت حفظ وحدت ملی عنوان کرد.



کارنگ



شماره ۱۶۹
مرداد ۱۴۰۴
سال پنجم

تعدیل و برخی جرایم با مسئولیت مدنی جایگزین شدند. با این حال، این اصلاحات نتوانست نگرانی‌های منتقدان را برطرف کند.

واکنش‌های سیاسی و انتقادات تند

این لایحه واکنش‌های تندی در میان چهره‌های سیاسی و کاربران شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه در پلتفرم ایکس، به دنبال داشت. محمدجواد آذری جهرمی، وزیر اسبق ارتباطات، در کانال تلگرامی خود اظهار کرد که با تعاریف گسترده و مجازات‌های نامتناسب این لایحه، آزادی بیان نقض خواهد شد و این وعده رئیس‌جمهور با مردم نبود. این اولین مخالفت صریح او با پزشک‌های بود. جلال رشیدی کوچی، نماینده سابق مجلس، نوشت که این لایحه نگرانی‌ها در خصوص محدودیت‌ها و برخوردهای سلیقه‌ای فراقانونی را افزایش داده و شائبه اینترنت طبقه‌بندی را تقویت می‌کند. عباس آخوندی، وزیر اسبق راه، این لایحه را نقض حقوق شهروندان و طرح صیانت با لباس مبدل به امضای پزشک‌های دانست. محمود صادقی، نماینده سابق، آن را مغایر با انتظارات از اصلاح رویکرد قوه قضاییه در زمینه حقوق شهروندی خواند. مصطفی کواکبیان نیز از پزشک‌های خواست لایحه را پس بگیرد تا پابندی خود به شعارهای اصلاحی را نشان دهد. محسن برهانی، حقوق‌دان، این لایحه را آخرین میخ بر تابوت آزادی بیان توصیف کرد.

هشدار انجمن صنفی روزنامه‌نگاران

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران در بیانیه‌ای این لایحه را نسخه‌ای ساده‌شده اما پرخطرتر از طرح صیانت دانست و نسبت به تبعات حقوقی و رسانه‌ای آن هشدار داد. این انجمن اظهار داشت که جرم‌انگاری مجدد مفاهیمی که در قوانین موجود مانند ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی و قانون جرایم رایانه‌ای پیش‌تر پوشش داده شده‌اند، امنیت قضایی را تهدید می‌کند. به گفته انجمن، این لایحه به جای مبارزه با اخبار جعلی، تلاش دارد کنترل بیشتری بر اطلاعات و روزه‌های افشاگری عمومی اعمال کند. همچنین، تصویب دو فوریتی بدون اطلاع‌رسانی عمومی و توجیه فوریت، شفافیت و مشارکت عمومی را نقض می‌کند. انجمن صنفی تأکید کرد که افزایش شتاب‌زده قوانین در این حوزه، شائبه بهره‌برداری سیاسی و محدودسازی هدفمند رسانه‌ها را تقویت می‌کند و پرسید چرا با وجود قوانین فعلی، چنین لایحه‌ای تدوین شده است.

تحلیل و چشم‌انداز آینده

لایحه مقابله با محتوای خلاف واقع در فضای مجازی با هدف ساماندهی اخبار جعلی و حفظ امنیت روانی جامعه ارائه شده، اما ابهامات، امکان تفسیرهای سلیقه‌ای و مغایرت با آزادی بیان، آن را به موضوعی جنجالی تبدیل کرد. موافقان معتقدند این لایحه خلأ قانونی را پر می‌کند و برای انسجام ملی ضروری است، اما مخالفان آن را گامی برای محدودسازی رسانه‌ها و نقض حقوق شهروندان می‌دانند. اصلاحات انجام‌شده، مانند کاهش مواد و تعدیل مجازات‌ها، نتوانسته نگرانی‌ها را کاهش دهد. واکنش‌های تند چهره‌های سیاسی و کاربران نشان‌دهنده حساسیت بالای این موضوع است. باتوجه به وجود قوانین فعلی، ضرورت این لایحه همچنان مورد پرسش است. ادامه بررسی آن در مجلس می‌تواند تأثیرات عمیقی بر فضای سیاسی، رسانه‌ای و اعتماد عمومی در ایران داشته باشد. هرچه بود فعالان این لایحه توسط دولت پس گرفته شده است.

دادگستری بیانیه‌ای برای تنویر افکار عمومی منتشر کند. این وزارتخانه اظهار داشت که ناشر یا گوینده اخبار جعلی که آرامش مردم را به هم می‌زند و با اخبار مسموم سلامت عمومی، اقتصاد، منافع ملی و روان جامعه را مختل می‌کند، باید پاسخگو باشد. این سیاست در سایر کشورها بیش از دو دهه با تدابیر جدی دنبال می‌شود. وزارت دادگستری با استناد به رهنمودهای مقام معظم رهبری، که امنیت روانی را از حقوق عامه دانسته‌اند، تأکید کرد که قوه قضاییه باید با برنامه‌ریزی و انضباط وارد این موضوع شود. این نهاد اعلام کرد که در تدوین لایحه، جلسات متعددی با حضور دستگاه‌های مختلف از جمله وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری و قوه قضاییه برگزار شده و با مطالعات تطبیقی از تجربیات جهانی بهره گرفته شده است. این لایحه با رعایت اصول قانون اساسی، به‌ویژه اصول ۳، ۹، ۲۰ و ۲۴، تدوین شده و عبارات مبهم آن اصلاح شده‌اند. همچنین، برای جلوگیری از سوءاستفاده، هیچ نهادی از شمول قانون مستثنی نشده است. وزارت دادگستری ادعاهای برخی منتقدان مبنی بر حبس‌های طولی‌المدت را رد کرد و گفت که مجازات‌ها شامل گزینیه‌های غیرحبس است و حبس درجه شش تنها در صورت انتشار عمدی محتوای خلاف واقع در درگاه‌های پرمخاطب اعمال می‌شود.

مخالفت معاونت حقوقی

ریاست‌جمهوری

معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری نیز در پاسخ به ابهامات این لایحه بیانیه‌ای منتشر کرد. این نهاد اعلام کرد که لایحه بر اساس مصوبه سال ۱۳۹۹ شورای عالی فضای مجازی توسط قوه قضاییه در مهر ۱۴۰۲ تهیه و به دولت ارسال شده و بررسی آن از دی ۱۴۰۳ آغاز شده است، بنابراین انتساب آن به شرایط جنگی یا قانون‌گذاری احساسی صحیح نیست. معاونت حقوقی موضع اولیه خود را این‌گونه بیان کرد که باتوجه به قوانین کیفری موجود، این لایحه ضرورت ندارد و اگر در قوانین فعلی کاستی وجود دارد، با یک ماده اصلاحی می‌توان آن را برطرف

کرد. این نهاد افزود که مفاد اولیه لایحه با آزادی بیان و اطلاعات مغایرت دارد، بخش‌هایی از آن برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دستگاه‌های اجرایی تعیین تکلیف می‌کند که قضایی نیست، و هیچ کشوری چنین رویکردی برای مقابله با اخبار جعلی نداشته است. همچنین، این لایحه عملاً قابل اجرا نیست و هزینه‌های مادی و معنوی زیادی برای کشور ایجاد خواهد کرد.

اصلاحات لایحه و کاهش مواد آن

علی احمدنیا، رئیس امور اطلاع‌رسانی دولت، در حساب شخصی خود در شبکه اجتماعی ایکس اعلام کرد که این لایحه بر اساس مصوبه ۱۳۹۹ شورای عالی فضای مجازی تدوین شده و ایرادات زیادی داشت. او گفت که دولت معتقد بود این لایحه قضایی نیست و برای وزارت ارشاد و دستگاه‌های اجرایی تعیین تکلیف می‌کند، و هیچ کشوری چنین رویکردی برای مقابله با اخبار جعلی ندارد. احمدنیا افزود که مفاد اولیه لایحه غیرقابل اجرا بود و هزینه‌های مادی و معنوی زیادی ایجاد می‌کرد. اصلاحات انجام‌شده شامل کاهش مواد از ۴۰ به ۲۰، حذف سامانه راستی‌آزمایی دولتی، تغییر نظارت پیشینی به پسینی، تبدیل نظام صدور مجوز به ثبت، و حذف تکلیف راستی‌آزمایی کاربران بود. مجازات‌های سنگین





کلیات آیین نامه ضوابط
حاکم بر اپراتورهای سلامت
دیجیتال تصویب شد

تسهیل ورود پلتفرم های سلامت به اقتصاد دیجیتال

در دوازدهمین جلسه کارگروه ویژه اقتصاد دیجیتال به ریاست سید ستار هاشمی، وزیر ارتباطات، کلیات «آیین نامه ضوابط و اصول حاکم بر اپراتورهای سلامت دیجیتال» پس از بررسی و اصلاحات لازم به تصویب رسید. این جلسه با حضور وزرای علوم، اقتصاد و نمایندگان دستگاه های مرتبط برگزار شد.

این آیین نامه که با پیشنهاد مشترک وزارتخانه های بهداشت، تعاون، سازمان برنامه و بودجه و ارتباطات تدوین شده، در راستای اجرای برنامه هفتم پیشرفت و مصوبه هیئت وزیران، ورود پلتفرم های سلامت به زیست بوم اقتصاد دیجیتال را تسهیل می کند. وزیر ارتباطات تأکید کرد که دستگاه های اجرایی مکلف اند طرح تحول دیجیتال خود را ارائه دهند و وزارت بهداشت در این زمینه پیشگام بوده است.

هاشمی با اشاره به نقش بخش خصوصی در اقتصاد دیجیتال، بر لزوم هم افزایی بین دستگاه ها برای تحقق سهم ۱۰ درصدی اقتصاد دیجیتال از تولید ناخالص ملی تأکید کرد. او تنظیم گری مناسب و رفع موانع حضور نخبگان و فعالان بخش خصوصی را ضروری دانست. همچنین، با اشاره به تحریم ها، تسهیل ورود پلتفرم ها به بورس را راهکاری برای جذب سرمایه عنوان کرد و خواستار بررسی چالش های پذیرش شرکت های دیجیتال در بازار اوراق بهادار شد.

این مصوبه گامی کلیدی برای تحول دیجیتال در نظام سلامت محسوب می شود و پس از طی مراحل قانونی ابلاغ خواهد شد. رضا باقری اصل، دبیر کارگروه، نیز در شبکه اجتماعی ایکس از این تصویب خبر داد و اعلام کرد که موضوع پذیرش شرکت ها در بورس و سکوهای داده باز در جلسه بعدی بررسی خواهد شد.



شماره ۱۶۹
مهر ۱۴۰۴
سال پنجم



برخی پلتفرم ها فقط منافع خود را دنبال می کنند

به نظر شما وزارت بهداشت چگونه می تواند نقش خود را از یک مانع به یک تسهیلگر در اکوسیستم سلامت تغییر دهد؟

آرش برجی خانی: وظیفه اصلی وزارت بهداشت، تنظیم گری و تدوین چارچوب های قانونی است که این موضوع نه تنها برای خود وزارتخانه، بلکه در سطح جهانی نیز امری بدیهی و شناخته شده است. مسئله اصلی این است که به جای صرف زمان و منابع برای بازآفرینی راه حل ها، وزارت بهداشت می تواند با مطالعه و بررسی نظام های سلامت در کشورهایی که شرایط مشابه ایران داشته اند و اکنون به نظام های سلامت پیشرفته و دیجیتال تبدیل شده اند، راهکارهای مناسبی را شناسایی کند.

تمامی دغدغه های کنونی وزارت بهداشت در تعامل



مهسانجاتی



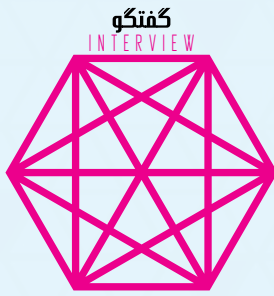
mahsaanjati1993@gmail.com

با استارتاپ ها و شرکت های حوزه سلامت، از جمله مسائل مرتبط با امنیت داده ها، حفظ حریم خصوصی، دسترسی استارتاپ ها به داده ها، تدوین قوانین، مدل های کسب و کار و نحوه تقسیم درآمد، راه حل های مشخص و تجربه شده ای در سطح جهانی دارند. این دغدغه ها اغلب به عنوان دلیلی برای محدود کردن دسترسی ها، ایجاد موانع یا کاهش سرعت رشد استارتاپ ها مطرح می شوند، در حالی که راهکارهای موجود می توانند این مشکلات را برطرف کنند.

وزارت بهداشت باید از نقش متولی و بنگاهدار خارج شده و بر قانون گذاری و تنظیم گری متمرکز شود. به عنوان مثال، در حوزه توزیع دارو، مشاهده می شود که هرگاه استارتاپ ها قصد ورود به این حوزه را داشته اند، وزارت بهداشت با این استدلال که خود عهده دار این مسئولیت است، مانع فعالیت آن ها شده است. این رویکرد به هیچ وجه صحیح نیست. در نظام های سلامت

پیشرفته جهانی، چارچوب های قانونی مشخصی تدوین شده و API داده ها به صورت شفاف در دسترس قرار دارند. دسترسی به این داده ها بر اساس وضعیت و ماهیت کسب و کارها تنظیم می شود و اگر یک استارتاپ بتواند به حل مسائل سلامت عمومی کمک کند، این دسترسی به تدریج افزایش می یابد.

پیشنهاد من این است که وزارت بهداشت و تیم آن، زمانی حدود یک ماه را به مطالعه قوانین و چارچوب های نظام های سلامت پیشرفته اختصاص دهند. همکاری با شرکت های خصوصی می تواند به کاهش هزینه های وزارت بهداشت و سازمان های بیمه در حوزه سلامت و درمان منجر شود. در بلندمدت، این همکاری ها می تواند به انتقال تمرکز از درمان به پیشگیری کمک کند. با تدوین قوانین مناسب و فراهم کردن دسترسی های لازم، که نمونه های موفق آن در جهان موجود است، نیازی به صرف انرژی زیاد برای یافتن راه حل های جدید نیست.



در میزگردی که به همت هفته‌نامه کارنگ برگزار شد، **مهرشاد تیموری، مدیرعامل بقرط؛ آرش برجی‌خانی، مدیرعامل زینوم و امین دولتی، مدیرعامل حال گرد** هم آمدند تا درباره چالش‌های اکوسیستم سلامت دیجیتال در ایران، نقش وزارت بهداشت به عنوان نهاد تنظیم‌گر و راهکارهای بهبود تعامل بین استارت‌آپ‌ها و رگولاتورها به بحث و تبادل نظر بپردازند. در این گفت‌وگو به بررسی موانع موجود، تجربه‌های موفق و ناموفق در تعامل با نهادهای نظارتی و چشم‌انداز آینده این حوزه پرداخته و راهکارهایی برای توسعه سلامت دیجیتال در کشور ارائه شد.

بررسی آخرین وضعیت اکوسیستم سلامت دیجیتال و راهبردهای درست برای عبور از مانع تراشی‌های وزارت بهداشت؛ چطور باید مطالبات برحق اکوسیستم نوآور سلامت را دنبال کرد؟

به نظر شما چه تغییراتی در سیاست‌گذاری یا تنظیم مقررات می‌تواند به بهبود تعامل بین استارت‌آپ‌ها و وزارت بهداشت کمک کند؟

امین دولتی: یکی از اقداماتی که می‌تواند به بهبود عملکرد وزارت بهداشت و نحوه تعامل آن با جامعه کمک کند، این است که وزارت بهداشت سهمی فعال‌تر در درک و انطباق با شرایط کنونی ایفا کند. امروزه نیازهای مردم نسبت به ۱۰ تا ۱۵ سال گذشته به طور قابل توجهی تغییر کرده است. رفتارها، الگوهای عرضه و تقاضا در حوزه سلامت، درآمد پزشکان و رویکرد آن‌ها نسبت به بیماران و بیماری‌ها دچار تحولات اساسی شده است. قوانین موجود که سال‌ها پیش بر اساس نیازهای آن زمان تدوین شده‌اند، با نیازهای کنونی و چارچوب‌های موجود فاصله زیادی پیدا کرده‌اند. این شکاف در دودهمه اخیر به شدت افزایش یافته است.

مشاهده می‌شود که از سوی مجلس، قانون‌گذاران یا نهادهایی که مسئولیت تعیین چارچوب‌های وزارت بهداشت یا بازنگری عملکرد آن را بر عهده دارند، اقدامات کافی صورت نگرفته

انتهای این زنجیره نیازهایشان به شکل مناسب برآورده شود، از شرایط موجود رضایت ندارند و هزینه‌های درمان به شدت افزایش یافته است. از سوی دیگر، نهادهای بیمه‌ای که وظیفه دارند شرایبی فراهم کنند تا مردم در دوران بازنشستگی یا در زمان‌هایی که درآمدهای متفاوتی دارند از نظر سلامت آسودگی خاطر داشته باشند، خود با بحران‌های مالی شدید مواجه شده‌اند.

ریشه این مشکلات به کوتاهی در انجام وظایف و عدم انطباق با نیازهای روز بازمی‌گردد. این وضعیت به نفع هیچ‌یک از ذی‌نفعان نیست. لازم است چارچوب‌ها به سمتی اصلاح شوند که وزارت بهداشت به نقش اصلی خود، یعنی تنظیم‌گری، نظارت و بهره‌گیری از فرصت‌های موجود برای افزایش رضایت مردم بازگردد.

آیا تجربه موفق یا ناموفقی در تعامل با نهادهای رگولاتوری داشته‌اید که نشان‌دهنده تأثیر ادبیات یا استراتژی مورد استفاده بر نتیجه مذاکرات باشد؟

مهرشاد تیموری: تاکنون تجربه موفق در این زمینه نداشته‌ام و عمدتاً تجربیاتم منفی بوده است. به عنوان نمونه، در موضوع نسخه‌نویسی الکترونیک که در مقطعی بسیار مورد توجه بود، با وجود مشکلات متعددی که از سوی پلتفرم‌ها مطرح می‌شد، وزارت بهداشت جلسه‌ای با حضور نمایندگان سازمان تأمین اجتماعی، بیمه سلامت و پلتفرم‌های مرتبط برگزار کرد تا این مسائل بررسی شوند. در این جلسه، هنگامی که به بیان مشکلات پرداختم، نماینده وزارت بهداشت میکروفونم را قطع کرد. این اقدام نشان‌دهنده آن بود که هدف از برگزاری این جلسه شنیدن مشکلات نبود، بلکه صرفاً تمایل به شنیدن سخنان خوشایند و نمایشی وجود داشت. به طور کلی، نهادهای مسئول اغلب آمادگی شنیدن مشکلات را ندارند و بیشتر به دنبال برگزاری جلسات نمایشی هستند که در آن‌ها ادعا شود نظرات و مشکلات شنیده شده است. در تکمیل سخنان آرش و امین باید گفت که وزارت بهداشت به دلیل ناتوانی در هماهنگی و ایجاد

ارتباط مؤثر با سازمان‌هایی نظیر تأمین اجتماعی، بیمه سلامت، سازمان نظام پزشکی، نیروهای مسلح و سازمان غذا و دارو، عملاً قادر به انجام اقدامات مؤثر نیست. به عنوان مثال، در حوزه دارو، با وجود راه‌اندازی نسخه‌نویسی الکترونیک، سازمان غذا و دارو همچنان موانع متعددی در زمینه تحویل یا فروش دارو ایجاد می‌کند. حتی پس از گذشت سال‌ها، این سازمان نتوانسته است یک نظام کدگذاری استاندارد برای داروها تدوین کند. این در حالی است که در موضوعاتی مانند تحویل دارو، نهادهای مربوطه ناگهان فعال و پویا می‌شوند، اما در مسائل زیرساختی اقدام مؤثری انجام نمی‌دهند. این ناتوانی وزارت بهداشت ناشی از وجود قدرت‌های موازی است که هر یک به طور مستقل عمل می‌کنند و هیچ‌گاه به یک هماهنگی و اجماع نمی‌رسند.

اخیراً طرح وزارت بهداشت برای ایجاد اپراتور رگولاتوری، در تئوری و بر اساس آنچه روی کاغذ ارائه شده، طرحی مثبت و امیدوارکننده به نظر می‌رسد. با این حال، این طرح نیز مشابه سامانه سپاس است که سال‌ها پیش معرفی شد، اما

با تغییر هر وزیر و تیم همراه او، بارها متوقف و دوباره آغاز شده و در نهایت به نتیجه نرسیده است. سامانه سپاس با وجود صرف هزینه‌های زیاد و تلاش پلتفرم‌ها برای دریافت مجوز، عملاً بی‌فایده مانده است. امیدوارم طرح اپراتور رگولاتوری به سرنوشت سامانه سپاس دچار نشود.

با توجه به برخی کم‌لطفی‌ها و محدودیت‌های اعمال‌شده از سوی نهادهای تنظیم‌کننده نسبت به بخش خصوصی، به نظر شما بخش خصوصی و استارت‌آپ‌ها چه اقداماتی می‌توانند انجام دهند تا حساسیت‌های نهادهای تنظیم‌کننده کاهش یابد؟

آرش برجی‌خانی: در حوزه سلامت، موضوعی که اغلب مورد توجه قرار نمی‌گیرد، این است که چالش‌های موجود صرفاً به حوزه سلامت دیجیتال محدود نمی‌شود. در بخش‌های مختلف، از جمله تشخیص پزشکی، مشکلات ناشی از قوانین غیرشفاف، تغییرات مکرر مقررات و عدم دسترسی به اطلاعات، فعالان این حوزه را با دشواری مواجه کرده است. این مسائل در حوزه‌های دارویی، واردات و سایر بخش‌های سلامت نیز مشاهده می‌شود. به عنوان مثال، در تماس با همکارانی که در خارج از کشور در حوزه سلامت فعالیت می‌کنند، مشخص شده که حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد از بار کاری که مدیران عامل و تیم‌های داخلی صرف مسائل نظارتی و قانونی می‌کنند، در کشورهای دیگر به دلیل شفافیت و جداسازی فرایندها وجود ندارد. بنابراین، مشکل صرفاً به سلامت دیجیتال مربوط نیست، بلکه به ساختار کلی نظام سلامت بازمی‌گردد. این عدم شفافیت و تضاد منافع موجود، در نهایت به ضرر مردم و افزایش هزینه‌های وزارت بهداشت منجر می‌شود. گاهی ممکن است وزیر بهداشت از راه‌حل‌ها آگاه باشد، اما تضاد منافع مانع اجرای آن‌ها می‌شود. در این میان، سازمان غذا و دارو و سازمان فناوری اطلاعات هر یک مسیر جداگانه‌ای را دنبال می‌کنند و هماهنگی لازم وجود ندارد.

بخش خصوصی و استارت‌آپ‌ها می‌توانند با ارائه راهکارهای عملی و حرکت در چارچوب قوانین موجود، به کاهش این چالش‌ها کمک کنند. به عنوان مثال، در زمینه حفاظت از داده‌های شخصی، راهکارهای امنیتی و رمزنگاری وجود دارد که می‌تواند نگرانی‌های نهادهای تنظیم‌کننده را برطرف کند. در حوزه دارورسانی نیز، برخلاف ادعاها مبنی بر احتمال تقلب، فرایندها کاملاً شفاف است؛ نسخه توسط پزشک صادر می‌شود، داروخانه آن را تأیید می‌کند و

پلتفرم‌های دیجیتال صرفاً نقش واسطه دارند بدون دسترسی مستقیم به فرایند. برای هر مسئله‌ای در حوزه سلامت، اگر به صورت منطقی بررسی شود، کسب‌وکارهای سلامت، به‌ویژه در بخش دیجیتال، راهکارهای عملی دارند که در سطح جهانی نیز پیاده‌سازی شده‌اند.

یکی از کاستی‌های اکوسیستم استارت‌آپی در ایران کمبود گفت‌وگو و تعامل سازنده با نهادهای تنظیم‌کننده بوده است. در برخی موارد، خود استارت‌آپ‌ها به دلیل خستگی یا ناامیدی، گفت‌وگو را متوقف کرده‌اند و در مواردی نیز نهادهای مربوطه، مانند وزارت بهداشت، تمایلی به حضور در رویدادها و تعامل با بخش خصوصی نشان نداده‌اند. با این حال، ما به عنوان کسب‌وکارهای سلامت آمادگی داریم تا با نهادهای تنظیم‌کننده وارد گفت‌وگو شویم و حتی پیشنهادهایی برای قانون‌گذاری ارائه دهیم که نه تنها به نفع ما، بلکه به نفع کل نظام سلامت و مردم باشد.

یکی از مزایای دیجیتالی شدن سلامت، افزایش نظارت و شفافیت است. برای مثال، در نظام‌های سنتی، امکان ردیابی



مهرشاد تیموری:
ممکن است یک پلتفرم برای منافع کوتاه‌مدت خود با رگولاتورها راییزی کند و موقتاً به نتایجی دست یابد، اما این رویکرد در بلندمدت به نفع کل اکوسیستم نیست و همه ما را در معرض شکست قرار می‌دهد

دقیق فرایندهایی مانند تحویل دارو، هویت پزشک، مسئول فنی داروخانه، یا افراد دخیل در بسته‌بندی و تحویل وجود ندارد. اما در پلتفرم‌های دیجیتال، تمام این اطلاعات به‌صورت شفاف قابل ردیابی است. به عنوان نمونه، در نظام‌های سنتی، بدون دیجیتالی شدن پرداخت‌ها و تراکنش‌ها، امکان شفافیت مالی وجود نداشت؛ حال آنکه در سیستم‌های دیجیتال، این شفافیت به‌طور کامل فراهم شده است.

مشکل اصلی ما نبود راهکار نیست، بلکه شرایط و قوانین فعلی برای کسب‌وکارهای دیجیتال مناسب نیست. ما باید انرژی زیادی صرف رفع موانع موجود کنیم. با این حال، آمادگی کامل برای گفت‌وگو و ارائه راهکارهایی در زمینه‌هایی مانند حفاظت از داده‌ها، حریم خصوصی، دسترسی به خدمات و حتی قیمت‌گذاری داریم. به عنوان مثال، در امارات، سیستمی با ۱۴۴ رابط برنامه‌نویسی (API) آماده برای بهبود خدمات سلامت طراحی شده که نمونه‌ای بی‌نظیر در جهان است. چنین ذهنیتی اگر در ایران پیاده‌سازی شود، می‌تواند تحول بزرگی در نظام سلامت ایجاد کند. در نهایت، نیاز است که تصمیم‌گیران با درک صحیح از نیازهای جدید نظام سلامت جهانی، که دیگر صرفاً به درمان محدود نمی‌شود، موانع را برطرف کرده و مسیر را برای نوآوری هموار کنند.

🔗 **با توجه به چالش‌های موجود، چشم‌انداز آینده اکوسیستم سلامت را چگونه ارزیابی می‌کنید و به نظر شما رویکرد نهادهای قانون‌گذار چه تغییراتی باید داشته باشد تا این اکوسیستم رشد کند؟**

امین دولتی: با توجه به شرایط کنونی، اگر وضعیت به همین منوال ادامه یابد، اکوسیستم سلامت به سمت افول پیش خواهد رفت و نمی‌توان آینده روشنی برای آن متصور شد. با این حال، پیش‌بینی می‌شود که در نهایت، حاکمیت و نهادهای قانون‌گذار به دلیل فشارهای موجود ناگزیر به تغییر مسیر شوند. زمانی که چالش‌هایی نظیر پیری جمعیت، مشکلات سازمان‌های بیمه‌گر در تأمین مالی خدمات به داروخانه‌ها و ارائه‌دهندگان خدمات درمانی، و همچنین دشواری‌های روزافزون در این حوزه به‌اوج خود برسند، نهادهای مسئول ناچار خواهند شد به سمت استفاده از فناوری‌ها و استارت‌آپ‌های فعال در این حوزه حرکت کنند. این اقدام می‌تواند هزینه‌ها را کاهش دهد و کیفیت خدمات را بهبود بخشد. در آن زمان، حاکمیت به سراغ استارت‌آپ‌ها و مجموعه‌هایی خواهد رفت که این خدمات را ارائه می‌دهند. اما امیدوارم این تغییر رویکرد در زمانی رخ دهد که هنوز فرصت برای اصلاح و بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود وجود داشته باشد و شرایط به گونه‌ای پیش نرود که ایجاد فرصت‌های جدید دشوار یا غیرممکن شود.

به نظر من، مسیری که اکوسیستم سلامت آنلاین باید دنبال کند، کاهش وابستگی به نهادهایی است که مانع فعالیت یا ایجاد محدودیت می‌کنند. این اکوسیستم باید به گونه‌ای عمل کند که بتواند

مستقل از موانع موجود به مسیر خود ادامه دهد، زیرا نیاز به این خدمات واقعی است و فرصت‌های لازم در نهایت فراهم خواهد شد. در حال حاضر، با قانون‌گذاری‌ای مواجه هستیم که از وظایف اصلی خود فاصله گرفته و فاقد نگاهی آینده‌نگر و درک شرایط کنونی است. اما این ذهنیت و رویکرد نادرست در نهایت تغییر خواهد کرد. از این رو، فعالان این حوزه باید به مسیر خود ادامه دهند تا در زمان مناسب، هنگامی که حاکمیت به اهمیت این موضوع پی ببرد، بتوانند به بازسازی و هدایت این اکوسیستم به مسیر درست کمک کنند.

🔗 **به نظر شما چگونه می‌توان تعادل بین نوآوری استارت‌آپی و الزامات رگولاتوری برقرار کرد؟**

مهرشاد تیموری: بر اساس تجربه‌ای که طی دوازده سال فعالیت در حوزه سلامت دیجیتال کسب کرده‌ایم، اعتقاد دارم که استارت‌آپ‌ها نباید خود را به‌طور کامل تابع نهادهای حاکمیتی یا رگولاتورها بدانند. ما باید به فعالیت خود ادامه دهیم و با همکاری و هم‌افزایی میان فعالان این حوزه پیش برویم. تجربه نشان داده است که در شرایط خاص، مانند بحران‌هایی نظیر همه‌گیری کرونا یا وقایع غیرمترقبه مانند جنگ، حوزه سلامت دیجیتال به یک‌باره مورد توجه قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی، قوانین و مقررات سخت‌گیرانه معمولاً تضعیف می‌شوند و ارزش خدمات دیجیتال سلامت، مانند مشاوره آنلاین یا تحویل دارو، برجسته می‌شود. اما به محض فروکش کردن این بحران‌ها، رویکرد رگولاتورها تغییر می‌کند و فعالیت‌هایی مانند تحویل دارو یا مشاوره آنلاین، که پیش‌تر مفید تلقی می‌شدند، غیرقانونی اعلام می‌گردند. این چرخه به‌صورت دوره‌ای تکرار می‌شود و فعالان این حوزه همواره امیدوارند که با وقوع چنین بحران‌هایی، بار دیگر ارزش کارشان مورد توجه قرار گیرد.

با این حال، تجربه نشان داده است که توقف فعالیت‌ها به دلیل محدودیت‌های قانونی، رویکرد مناسبی نیست. ما باید به فعالیت خود ادامه دهیم و از همه مهم‌تر، اتحاد و همکاری بین پلتفرم‌های فعال در حوزه سلامت دیجیتال را تقویت کنیم. متأسفانه، در حال حاضر این اتحاد در اکوسیستم سلامت دیجیتال وجود ندارد. هر پلتفرم به‌صورت جداگانه سیاست‌های خاص خود را دنبال می‌کند و این امر مانع از پیشرفت جمعی می‌شود. اگر مانند سایر حوزه‌ها، پلتفرم‌های سلامت دیجیتال بتوانند با یک صدای واحد خواسته‌های خود را مطرح کنند و برای تحقق آن‌ها ایستادگی کنند، می‌توان به نتایج بهتری دست یافت. اما فقدان این هم‌افزایی، حتی در ابتدای‌ترین سطوح، مانع پیشرفت بلندمدت این حوزه است. به‌عنوان مثال، ممکن است یک پلتفرم برای منافع کوتاه‌مدت خود با رگولاتورها رایزنی کند و موقتاً به نتایجی دست یابد، اما این رویکرد در بلندمدت به نفع کل اکوسیستم نیست و همه ما را در معرض شکست قرار می‌دهد. در سایر حوزه‌ها شاهد همکاری و اتحاد قوی‌تری هستیم، اما متأسفانه در حوزه سلامت دیجیتال چنین اتحادی وجود ندارد.

یکی از ساده‌ترین انتظاراتی که از نهادهای رگولاتوری، مانند سازمان نظام پزشکی، داریم، ارائه یک API ساده برای اعتبارسنجی پروانه طبابت پزشکان است. پس از دوازده سال فعالیت و کسب تجربه در این حوزه، انتظار می‌رود که حداقل چنین ابزاری ابتدایی در اختیار پلتفرم‌ها قرار گیرد تا بتوانند وضعیت پروانه طبابت پزشکان را بررسی کنند. اما حتی این امکان ساده نیز فراهم نیست. در حال حاضر، برای

اعتبارسنجی پزشکان، مجبوریم به‌صورت دستی و دوره‌ای اطلاعات را بررسی کنیم، که این فرایند با محدودیت‌هایی مانند بلاک شدن IP شرکت‌ها مواجه می‌شود. در برخی موارد، حتی تماس‌هایی از سوی نهادهای نظارتی دریافت می‌کنیم که چرا اطلاعات پزشکی با پروانه باطل شده‌ای نوبت‌دهی شده است. این در حالی است که اگر رگولاتورها همکاری لازم را انجام دهند و دسترسی به داده‌ها را تسهیل کنند، چنین مشکلاتی به راحتی قابل حل خواهد بود.

برای نمونه، ارائه وب‌سرویس برای بررسی تعداد درخواست‌ها یا اعتبارسنجی اطلاعات، فرایندی است که به‌سادگی می‌تواند انجام شود، اما حتی در این مورد نیز با موانع متعددی مواجه هستیم. به‌عنوان مثال، برای دریافت وب‌سرویس، باید درخواست ایمیلی ارسال کنیم، اما پاسخ‌گویی به این درخواست‌ها یا بسیار کند است یا اصلاً انجام نمی‌شود.

علاوه بر این، موضوعاتی مانند بررسی تداخلات دارویی، که از بدیهی‌ترین نیازهای حوزه سلامت است، به دلیل نبود داده‌های یکپارچه و عدم همکاری رگولاتورها، با چالش‌های جدی مواجه است. یک پزشک ممکن است از داروهای تجویز شده توسط خود آگاه باشد، اما اطلاعاتی از داروهای تجویز شده توسط پزشک دیگر برای همان بیمار نداشته باشد. این فقدان داده‌های یکپارچه منجر به مشکلاتی مانند تداخلات دارویی می‌شود که می‌توانست با ارائه زیرساخت‌های مناسب به راحتی پیشگیری شود. در واقع، نبود دسترسی به داده‌های پایه‌ای و بدیهی، یکی از بزرگ‌ترین موانع توسعه سلامت دیجیتال در کشور است.

🔗 **به نظر شما، با توجه به وضعیت کنونی، چه چالش‌های کلیدی باعث ایجاد تنش‌ها بین رگولاتور و اکوسیستم سلامت شده است؟**

آرش برجی‌خانی: نخستین چالش، مسئله تضاد منافع است. هنگامی که تحولی در حوزه خدمات رخ می‌دهد، برخی از بازارها و بازیگران قدیمی یا حذف می‌شوند یا سهم کمتری در بازار پیدا می‌کنند. این گروه‌ها در برابر تغییرات مقاومت می‌کنند. این موضوع مشابه اتفاقاتی است که پیش‌تر در حوزه‌هایی مانند حمل‌ونقل آنلاین (مانند تپسی) یا پرداخت الکترونیک مشاهده شده است. در این موارد، بازیگران سنتی در برابر نوآوری‌ها مقاومت کردند. این الگو در بسیاری از اکوسیستم‌ها و در نقاط مختلف جهان تکرار شده است و در حوزه سلامت نیز شاهد آن هستیم. برای مثال، زمانی که بحث تحویل آنلاین دارو مطرح می‌شود، منافع برخی گروه‌ها به خطر می‌افتد. این گروه‌ها با توجه به منابع مالی و نفوذ خود، تمام توان و ظرفیت خود را به کار می‌گیرند تا مانع از تحقق این تغییرات شوند. این بازیگران از قدرت و منابع مالی قابل‌توجهی برخوردارند و از آن برای حفظ منافع خود استفاده می‌کنند.

چالش دوم، عدم استقلال و اراده کافی وزارت بهداشت به‌عنوان نهاد قانون‌گذار است. بخشی از این مسئله نیز به تضاد منافع بازمی‌گردد. اگر وزارت بهداشت اراده لازم را داشته باشد، می‌تواند با تسهیل قانون‌گذاری، شرایطی را فراهم کند که همه بازیگران در چارچوب قوانین مشخصی فعالیت کنند. باین‌حال، تضاد منافع همچنان مانع از تحقق این هدف می‌شود. این موضوع شاید در نگاه اول سطحی به نظر برسد، اما ریشه‌های عمیقی دارد. به‌عنوان مثال، در برخی موارد دعوت به گفت‌وگو کرده‌ایم، اما نمایندگان نهادهای مرتبط، مانند سازمان غذا و دارو، حضور نیافته‌اند یا در صورت حضور،

گفت‌وگوها به نتیجه مشخصی نرسیده است. هر طرف دیدگاه خود را مطرح کرده و بدون رسیدن به راه‌حل مشترک، بحث پایان یافته است.

در نظام سلامت، این تضاد منافع میان کسب‌وکارهای سنتی و نوآورانه کاملاً مشهود است. درحالی‌که راهکارهایی برای تأمین امنیت داده‌ها و تدوین قوانین مناسب وجود دارد، این راهکارها سال‌هاست که در نظام‌های سلامت جهانی پیاده‌سازی شده‌اند. باین‌حال، عدم استقلال و اراده کافی وزارت بهداشت، همراه با نبود یکپارچگی در سیاست‌گذاری، همچنان مانع پیشرفت در این حوزه است.

🔗 **به نظر شما آیا استارت‌آپ‌های حوزه سلامت باید از الگوهای رفتاری و ادبیات سایر کسب‌وکارها، مانند خرده‌فروش‌های آنلاین، برای تعامل با نهادهای نظارتی استفاده کنند؟**

امین دولتی: به نظر من، اکوسیستم سلامت نیازمند رویکردی متمایز در تعامل با نهادهای حاکمیتی است. نظام سلامت در سراسر جهان معمولاً با ارائه شاخص‌ها و پارامترهای مشخص به حاکمیت، در راستای اهداف کلان آن عمل می‌کند تا به‌طور مستمر عملکرد خود را بهبود بخشد و به جامعه پاسخگو باشد. با این حال، در کشور ما، نظام سلامت با چالش‌هایی مواجه است که به دلیل حجم بالای مشکلات در بخش‌های مختلف و نبود عملکرد شفاف و قابل اندازه‌گیری با اعداد و ارقام، پاسخگویی مشخصی به افکار عمومی ارائه نمی‌شود. در مدل‌های رایج در کشورهای پیشرفته، نظام سلامت با همکاری شرکت‌های فعال در این حوزه، از ظرفیت‌های آن‌ها برای دستیابی به اهداف خود بهره می‌برد. اما در شرایط کنونی کشور ما، به دلیل فقدان پاسخگویی کافی، حجم بالای مشکلات، نبود شاخص‌های عملکردی مشخص و سطح گسترده نارضایتی عمومی، نظام سلامت از پتانسیل موجود برای بهبود شرایط و خدمت به مردم به شکل مطلوب استفاده نمی‌کند. در عوض، این نظام به دلیل ساختار پیچیده و درهم‌تنیده و وجود رانت‌های متعدد، به شکلی ناکارآمد عمل می‌کند.

اگر استارت‌آپ‌ها یا کسب‌وکارهای سلامت بخواهند از حاکمیت مطالبه‌گری کنند، به دلیل نبود گفت‌وتمان دقیق و شفاف از سوی نهادهای مسئول، اغلب با موانعی مواجه می‌شوند. این وضعیت منجر به نوعی ترک فعل از سوی نهادهای حاکمیتی شده است، به گونه‌ای که از پاسخگویی به پرسش‌های منطقی و به جای جامعه طفره می‌روند. حتی اگر وزیر بهداشت در حال حاضر اقدام به اصلاحات کند، با توجه به پیچیدگی ساختار موجود و رانت‌های شکل گرفته، بعید به نظر می‌رسد که در بازه زمانی چهارساله دولت کنونی بتوان تغییرات اساسی ایجاد کرد، مگر اینکه تحولی بنیادین در ساختار حاکمیتی حوزه سلامت رخ دهد.

سوال شما بسیار بجا و دقیق است. به نظر می‌رسد که رویکرد کل اکوسیستم سلامت، از کسب‌وکارها گرفته تا رسانه‌ها، باید متفاوت باشد. در بسیاری از کشورها، حاکمیت‌ها معمولاً از فناوری عقب‌تر هستند و تا زمانی که اجباری برای تغییر احساس نکنند، تحولات بزرگی را اعمال نمی‌کنند. این اجبار ممکن است در نقاط مختلفی از طیف زمانی رخ دهد و به هوش و چابکی حاکمیت بستگی دارد. به عنوان مثال، در حال حاضر در بیمارستان‌های کشورهای پیشرفته، فناوری هوش مصنوعی به‌طور گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد و تحولات مهمی را رقم زده است. اما در کشور ما، هنوز درگیر بحث‌هایی مانند مشاوره آنلاین یا تله‌مدیسین هستیم که سال‌ها پیش مطرح شده بود، یا موضوعاتی مانند ارسال دارو همچنان حل نشده باقی مانده است. می‌توانم فهرستی از ده‌ها مورد مشابه دیگر نیز ارائه کنم. در جمع‌بندی، باید گفت که رویکرد ما در اکوسیستم سلامت باید متفاوت باشد. استارت‌آپ‌ها و کسب‌وکارهای سلامت باید منسجم‌تر عمل کنند و رسانه‌ها نیز باید به عنوان آینه‌ای برای انعکاس مشکلات مردم و



تحول دیجیتال سلامت با
اتصال ۲۶۰ هزار مرکز
به شبکه شمس

همکاری وزارت بهداشت و مخابرات برای ارتقای زیرساخت‌های ارتباطی

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و شرکت مخابرات ایران با امضای تفاهم‌نامه‌ای، متعهد شدند تا ظرف یک سال، بیش از ۲۶۰ هزار مرکز ارائه‌دهنده خدمات سلامت در سراسر کشور را به شبکه ملی سلامت (شمس) متصل کنند. این همکاری گامی مهم در راستای تحقق سلامت دیجیتال و ارتقای کیفیت خدمات درمانی است.

سیدرضا مظهري، رئيس مركز آمار و فناوري اطلاعات وزارت بهداشت، در مراسم امضای این تفاهم‌نامه اظهار داشت: «هدف ما ایجاد چرخه‌ای است که داده‌ها به تصمیم‌گیری و بهبود شاخص‌های خدمات منجر شود.» او با تأکید بر نقش فناوری اطلاعات در تحول نظام سلامت، شبکه شمس را بستری ایمن و پایدار برای انتقال داده‌های حساس مانند تصاویر پزشکی (MRI، CT)، سونوگرافی و خدمات دوراپزشکی دانست که وابستگی به اینترنت عمومی را کاهش می‌دهد و امنیت و سرعت تبادل اطلاعات را افزایش می‌دهد.

مظهري با اشاره به ضرورت توسعه زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، سه مؤلفه کلیدی برای تحول دیجیتال در سلامت را «نرم‌افزارهای یکپارچه استاندارد، مراکز ذخیره‌سازی داده با کارایی بالا و شبکه ارتباطی امن» عنوان کرد. او افزود: «داده‌ها نباید صرفاً به آمار و نمودار محدود شوند، بلکه باید به تصمیم‌سازی و ارتقای کیفیت خدمات منجر شوند.» او همچنین به اجرای بیش از ۶۰ برنامه تحولی در حوزه سلامت دیجیتال اشاره کرد و گفت: «طرح‌هایی مانند نسخه‌نویسی الکترونیک با صرفه‌جویی چند هزار میلیارد تومانی در هزینه‌های بیمه‌ای، نمونه‌ای از این تحولات است.» مظهري توسعه خدماتی نظیر دوراپزشکی، بیمارستان مجازی و مراقبت در منزل را از اولویت‌های وزارت بهداشت دانست و تأکید کرد که شبکه شمس زمینه‌ساز ایجاد کسب‌وکارهای نوآورانه در سلامت دیجیتال خواهد شد.



شماره ۱۶۹
۱۲ مرداد ۱۴۰۴
سال پنجم



ادامه در صفحه ۱۱

اما نکته تأمل برانگیز این است که افراد پس از ۶۰ سالگی عمدتاً با بیماری دست و پنجه نرم می‌کنند. تمرکز بر پیشگیری می‌تواند هزینه‌های درمانی را به‌طور قابل‌توجهی کاهش دهد. به ازای هر دلاری که در حوزه سلامت و پیشگیری سرمایه‌گذاری می‌شود، به‌طور میانگین پنج دلار از هزینه‌های درمان کاسته خواهد شد. برای تحقق این امر، دسترسی به داده‌های دقیق و جامع ضروری است. متأسفانه، در ایران زیرساخت‌های سلامت الکترونیک و داده‌های تمیز و قابل‌اتکا به‌صورت جدی وجود ندارد. با دسترسی به داده‌های مناسب، امکان طراحی سبک‌زندگی متناسب با نیازهای افراد، پیش‌بینی بیماری‌ها و پیشگیری از آن‌ها در حوزه‌هایی مانند سرطان، بیماری‌های قلبی-عروقی و دیابت فراهم می‌شود. این سه بیماری غیرواگیر، بخش عمده‌ای از بیماری‌های مزمن را تشکیل می‌دهند و با تمرکز بر پیشگیری و اصلاح سبک زندگی، می‌توان تعداد مبتلایان و مرگ‌ومیر ناشی از آن‌ها را به‌طور چشمگیری کاهش داد. اقدامات ساده‌ای مانند تغییر عادات روزمره، کاهش مصرف برخی مواد غذایی مضر و افزایش فعالیت‌های بدنی متناسب می‌تواند تأثیرات بزرگی داشته باشد. در کشورهای پیشرفته، ۴۰ تا ۵۰ درصد بودجه‌ها و زیرساخت‌های سلامت به پیشگیری اختصاص یافته است. ما نیز ناگزیر از حرکت به این سمت هستیم. امیدوارم با ایجاد فضای مناسب برای دسترسی به داده‌ها، امکان فعالیت استارت‌آپ‌ها در حوزه غربالگری، پیش‌بینی و پیشگیری فراهم شود تا شاهد کاهش هزینه‌ها و بهبود نظام سلامت باشیم. امیدوارم جرقه‌ای برای این تغییر ایجاد و توجه بیشتری به این موضوع معطوف شود.



**مهرشاد تیموری: ما
بارها تلاش کرده‌ایم
با تشکیل انجمن یا
صنف، منافع مشترک
خود را پیگیری کنیم،
اما به دلیل وجود تضاد
منافع در بدنه حاکمیت
و همچنین در میان
پلتفرم‌های سلامت،
این تلاش‌ها به نتیجه
نرسیده است. هر گروه
به دنبال منافع خود
است و این پراکندگی
مانع از ایجاد گفتمان
مشترک و همکاری بین
پلتفرم‌ها می‌شود.**

پیشرفت چشمگیری نداشته و به‌نوعی درجا می‌زند. اگر موانع رگولاتوری برطرف شوند و امکان پیشرفت بدون محدودیت فراهم گردد، آینده‌ای بسیار روشن و پر از فرصت در این حوزه قابل تصور است. بسیاری از ظرفیت‌های بالقوه در حوزه سلامت دیجیتال در ایران هنوز کشف و بهره‌برداری نشده‌اند. به عنوان مثال، در حالی که تمرکز اغلب بر داروها و درمان‌های دارویی است، مدیریت سبک زندگی که یکی از حوزه‌های کلیدی در سلامت دیجیتال به شمار می‌رود، در کشور ما چندان مورد توجه قرار نگرفته و هنوز راهکارهای مشخصی برای آن ارائه نشده است. به نظر می‌رسد آینده این حوزه بسیار امیدوارکننده است، اما این آینده باید توسط خود ما ساخته شود. انتظار کمک از دیگران واقع‌بینانه نیست؛ تنها کافی است موانع پیش روی ما برداشته شوند تا بتوانیم به پیشرفت‌های چشمگیری دست یابیم.

آرش برجی‌خانی: امیدوارم مسئولین وزارت بهداشت و متولیان امور بیمه با نگاهی هوشمندانه‌تر به این موضوع توجه کنند. در حال حاضر، حدود ۳۰ درصد از مرگ‌ومیرها در کشور به‌طور مستقیم ناشی از بیماری‌های قلبی-عروقی است. همچنین، حدود ۶ میلیون نفر در معرض ابتلا به دیابت یا مبتلا به این بیماری هستند که یارانه‌های قابل‌توجهی برای تأمین انسولین آن‌ها اختصاص می‌یابد. هزینه‌هایی که هم‌اکنون متحمل می‌شویم، از نظر مقیاس و حجم، بسیار سنگین و غیرقابل‌مقایسه با برخی تراکنش‌های معمول است. در کشورهای پیشرفته، نظام سلامت به سمت پیشگیری سوق پیدا کرده است. برای مثال، کشورهایمانند اسپانیا، آلمان و حتی ایالات متحده که در گذشته شرايطی مشابه ما داشتند، با تغییر رویکرد به سمت پیشگیری، موفقیت‌های چشمگیری کسب کرده‌اند. در حال حاضر، بخش عمده بودجه وزارت بهداشت (حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد) صرف درمان می‌شود، نه پیشگیری. این در حالی است که نظام سلامت نباید صرفاً به درمان محدود شود. ما منتظر می‌مانیم تا بیماری بروز کند و سپس برای درمان آن هزینه کنیم، درحالی‌که می‌توان با تمرکز بر پیشگیری، از وقوع بسیاری از بیماری‌ها جلوگیری کرد. مدیریت دیابت، کاهش تعداد مبتلایان به آن و کنترل مرگ‌ومیر ناشی از بیماری‌های قلبی-عروقی از جمله اقداماتی است که می‌تواند هزینه‌های سنگین تحمیل‌شده بر دولت را کاهش دهد. این بیماری‌ها، به‌ویژه بیماری‌های قلبی-عروقی، پس از ابتلا، هزینه‌های مداوم و بالایی را به همراه دارند.

متأسفانه، به دلیل مسائل تجاری، برخی محصولات مصرفی در حوزه سلامت تفاوت چندانی با مواد مضر ندارند و آگاهی عمومی در این زمینه بسیار محدود است. چه کسی مسئول است که به مردم آموزش دهد چگونه با اصلاح سبک زندگی از ابتلا به این بیماری‌ها پیشگیری کنند؟ در ۱۲۰ سال گذشته، میانگین امید به زندگی در ایران از ۳۷ سال به حدود ۷۰ سال افزایش یافته است،

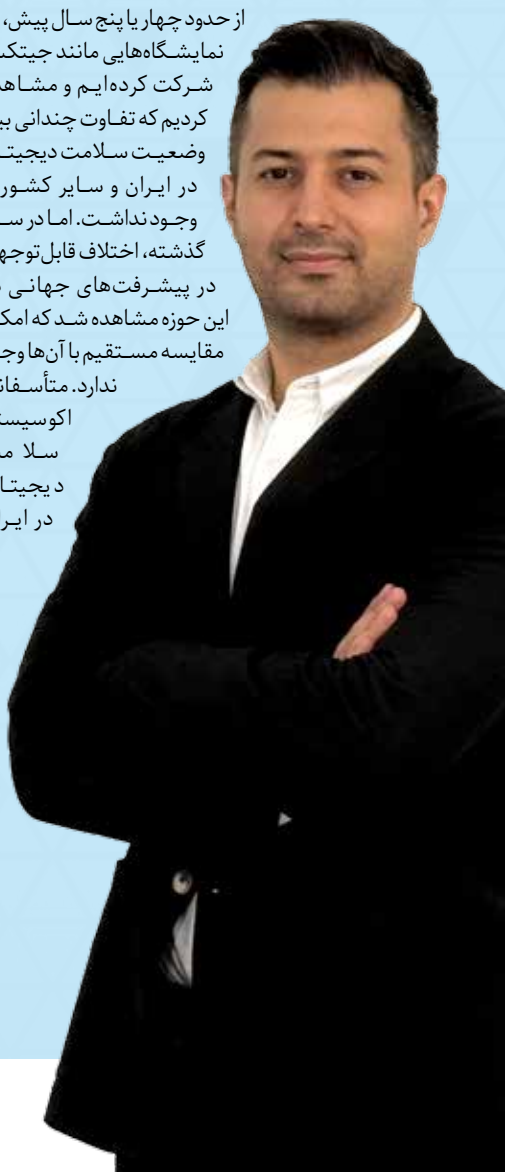
جامعه، نقش فعال‌تری ایفا کنند. این مسئولیت مشترک می‌تواند به بهبود شرایط و پاسخگویی بهتر نظام سلامت کمک کند.

اکوسیستم سلامت در ایران باید روی چه نوع خدمات و محصولات تمرکز کند تا هم نیازهای بازار را برآورده کند و هم با الزامات رگولاتوری مغایرت نداشته باشد؟

مهرشاد تیموری: تمامی فعالیت‌ها و خدماتی که در حال حاضر در اکوسیستم سلامت ایران وجود دارند یا در حال انجام هستند، در جایگاه خود صحیح و مناسب هستند. با این حال، یکی از نقاط عطف کلیدی که می‌تواند تحول‌آفرین باشد، بهره‌گیری از فناوری هوش مصنوعی در حوزه سلامت است. هوش مصنوعی می‌تواند به عنوان یک ابزار کلیدی در این حوزه نقش‌آفرینی کند، اما یکی از چالش‌های اصلی در این مسیر، موضوع داده‌ها است. همواره قوانین و مقررات سخت‌گیرانه‌ای در خصوص استفاده از داده‌ها وجود داشته است. پلتفرم‌ها مجاز به ذخیره‌سازی یا تحلیل داده‌های پزشکی بدون دریافت مجوزهای کتبی از بیماران و پزشکان نیستند. در صورتی که این محدودیت‌ها برطرف شوند، امکان ادغام هوش مصنوعی در سرویس‌های مختلف فراهم خواهد شد.

هدف ما حذف نقش پزشکان یا از بین بردن کسب‌وکارهای موجود نیست، بلکه تقویت و بهبود فرایندها از طریق هوش مصنوعی است. این فناوری می‌تواند به عنوان دستیار تشخیصی برای پزشکان عمل کند یا در کنار بیماران قرار گیرد تا با تحلیل داده‌ها، به مدیریت سبک زندگی آن‌ها کمک کند. هوش مصنوعی موضوعی بسیار جذاب و نویدبخش است، اما به دلیل موانع رگولاتوری، پیشرفت در این حوزه با سرعت مورد انتظار پیش نمی‌رود.

از حدود چهار یا پنج سال پیش، در نمایشگاه‌هایی مانند جیتکس شرکت کرده‌ایم و مشاهده کردیم که تفاوت چندانی بین وضعیت سلامت دیجیتال در ایران و سایر کشورها وجود نداشت. اما در سال گذشته، اختلاف قابل‌توجهی در پیشرفت‌های جهانی در این حوزه مشاهده شد که امکان مقایسه مستقیم با آن‌ها وجود ندارد. متأسفانه، اکوسیستم سلامت دیجیتال در ایران





بورس کالا در مسیر ورود به
دنیای رمزارزها

گامی برای سرمایه‌گذاری امن در بازار بلاکچین

بورس کالا با دو طرح نوآورانه وارد حوزه رمزارزها می‌شود تا بستری امن و قانونمند برای سرمایه‌گذاران فراهم کند. این طرح‌ها شامل راه‌اندازی صندوق‌های قابل معامله مبتنی بر رمزارز و توکن‌سازی کالاها، به‌ویژه زعفران است. معین محمدی‌پور، مدیر مطالعات اقتصادی بورس کالا اعلام کرد که رایزنی‌های اولیه برای صندوق‌های رمزارز انجام شده و زیرساخت‌های فنی آن آماده است. این طرح نیازمند تأییدیه سازمان بورس و اوراق بهادار است. این صندوق‌ها با کاهش هزینه‌ها، تضمین امنیت معاملات و کاهش ریسک ذخیره‌سازی، سرمایه‌گذاری در رمزارزها را تسهیل می‌کنند. همچنین با تبدیل رمزارز به ابزار سرمایه‌گذاری، از کارکرد آن به‌عنوان ابزار پرداخت کاسته شده و جایگاه ریال تقویت می‌شود. در طرح دوم، بورس کالا قصد دارد توکن‌های مبتنی بر کالا، به‌ویژه زعفران را راه‌اندازی کند.

این طرح در فاز آزمایشی است و نیازمند زیرساخت‌های فنی و مقرراتی است. توکن‌سازی می‌تواند تأمین مالی غیرمتمرکز را در بخش کشاورزی تقویت کرده و سرمایه‌های جدیدی جذب کند. بر اساس مصوبه کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی، سازمان بورس تنظیم‌گر رمزارزها می‌تواند با پشتوانه است. همچنین کمیته فقهی در سال ۱۴۰۳ معاملات توکن با پشتوانه را مجاز اعلام کرده است. با تدوین دستورالعمل‌های لازم، این طرح‌ها در چارچوب قوانین اجرایی خواهند شد. این ابتکارات می‌توانند بستری امن برای سرمایه‌گذاری در حوزه بلاکچین فراهم کرده و با افزایش نظارت، ریسک‌های بازارهای غیررسمی را کاهش دهند. این اقدامات ضمن بهره‌مندی عموم مردم از مزایای رمزارزها، به تقویت بازار سرمایه و جذب سرمایه‌های جدید کمک خواهد کرد.



شماره ۱۶۹
مرداد ۱۴۰۴
سال پنجم



رابطه مان با رگولاتور سلامت مشارکتی نیست

گفت‌وگو با سپیده میرکریمی، مدیرعامل پزشکت، درباره وضعیت کنونی و آینده سلامت دیجیتال در ایران

اکوسیستم سلامت دیجیتال در ایران با شتابی قابل توجه در حال رشد است، اما همچنان با موانع زیرساختی و رگولاتوری مواجه است. سپیده میرکریمی، مدیرعامل پلتفرم پزشکت، در گفت‌وگو با کارنگ به بررسی چالش‌ها، فرصت‌ها و راهکارهای توسعه این اکوسیستم پرداخته است. از نقش پلتفرم‌های بومی مانند پزشکت در ارائه خدمات آنلاین گرفته تا پیشنهادهایی برای بهبود تعاملات رگولاتوری، این گفت‌وگو نگاهی متفاوت به وضعیت کنونی و آینده سلامت دیجیتال در ایران ارائه می‌دهد.

وضعیت کنونی اکوسیستم سلامت
دیجیتال را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اکوسیستم سلامت دیجیتال ایران در حال شکل‌گیری جدی‌تر و رشد است، اما همچنان با چالش‌های زیربنایی مواجه است. اگرچه بازیگران متعددی وارد این حوزه شده‌اند و تقاضای بازار نیز رو به افزایش است، اما نبود زیرساخت‌های داده‌ای منسجم،

ضعف در سیاست‌گذاری یکپارچه و ناهماهنگی بین نهادهای مسئول، روند رشد را کند کرده است. در عین حال، ظرفیت‌های بالایی در حوزه فناوری، منابع انسانی متخصص و استقبال جامعه از خدمات سلامت دیجیتال وجود دارد که در صورت ایجاد فضای حمایتی می‌تواند مسیر توسعه را هموارتر کند. در این میان، پلتفرم‌هایی مانند «پزشکت» با ارائه مشاوره آنلاین ۲۴

ساعته، دسترسی ساده‌تر به خدمات پزشکی را ممکن کرده‌اند و نشان داده‌اند که می‌توان با راهکارهای بومی، بخشی از این شکاف‌ها را پوشش داد. پزشکت نمونه‌ای از نقش‌آفرینی بخش خصوصی در توانمندسازی سلامت دیجیتال است.

مهم‌ترین چالش‌های رگولاتوری در
مسیر رشد استارت‌آپ‌های حوزه سلامت چیست؟

بزرگ‌ترین چالش، نبود چارچوب‌های شفاف و به‌روز است. بسیاری از مقررات موجود برای ساختارهای سنتی طراحی شده‌اند و با واقعیت پویای استارت‌آپ‌ها همخوانی ندارند. این باعث می‌شود زمان و انرژی زیادی صرف تفسیر قوانین، هماهنگی با نهادهای مختلف، و رفع ابهام‌ها شود. در نتیجه نوآوری کند می‌شود و برخی خدمات حتی با وجود ارزش بالا، امکان عرضه رسمی پیدا نمی‌کنند.

رابطه استارت‌آپ‌ها با نهادهای رگولاتور را
چگونه ارزیابی می‌کنید؟

تعامل بین استارت‌آپ‌ها و نهادهای رگولاتور اغلب یک‌طرفه و پاسخ‌محور است، نه مشارکتی. این وضعیت باعث می‌شود مسیر نوآوری با احتیاط، کند و گاه حتی دلسردکننده طی شود. در حالی که اگر رگولاتورها از استارت‌آپ‌ها به‌عنوان شریک در فرایند تصمیم‌سازی بهره بگیرند، هم کیفیت مقررات بالاتر می‌رود و هم سرعت تطبیق بازار با نوآوری بیشتر می‌شود. ما معتقدیم مشارکت فعال در گفت‌وگوی بارگولاتوری، نه تنها لازمه بقا بلکه شرط رشد پایدار در اکوسیستم سلامت دیجیتال است.

به نظر شمارگولاتور در توسعه اکوسیستم سلامت بیشتر نقش تسهیل گر را ایفا کرده یا مانع تراش بوده است؟

رگولاتورها در برخی مواقع نقش تسهیل گر داشته‌اند، اما در مجموع نبود فرایندهای شفاف، طولانی بودن صدور مجوزها و تداخل مسئولیت‌ها موجب شده بسیاری از شرکت‌ها با موانع اجرایی و حقوقی روبه‌رو شوند. در پروژه‌های مختلف، ما شاهد بودیم که همکاری اولیه با نهادهای رسمی شروع می‌شود، اما در ادامه به دلیل عدم هماهنگی در سطح بالا، توسعه متوقف یا به تأخیر می‌افتد.

ما با چالش‌های رگولاتوری پیچیده آشناییم و همواره تلاش کرده‌ایم با رعایت دقیق قوانین، مسیر نوآوری را حفظ کنیم. تجربه ما نشان می‌دهد که وجود چارچوب‌های شفاف و به‌روز، کلید تسریع رشد و ارائه خدمات موثر به کاربران است.

استراتژی شما برای هم‌راستاسازی فعالیت‌های استارت‌آپ با الزامات رگولاتوری چیست؟

هم‌راستاسازی با الزامات قانونی نیازمند رویکردی ترکیبی است. از یک‌سو، پایبندی به اصول حقوقی برای ایجاد اعتماد ضروری است و از سوی دیگر، ساختار فنی و سازمانی باید به‌گونه‌ای باشد که انعطاف لازم برای تغییرات مقرررات را داشته باشد. استفاده از مشاوران حقوقی تخصصی، ایجاد فرایندهای داخلی برای رصد تغییرات قانونی و گفت‌وگوی فعال با نهادهای مسئول، از جمله اقداماتی است که می‌تواند ریسک‌ها را کاهش دهد و همزمان فضا را برای نوآوری باز نگه دارد.

برای بهبود آینده اکوسیستم سلامت دیجیتال چه پیشنهاداتی دارید؟

اولین و مهم‌ترین موضوع، تدوین قوانین شفاف، به‌روز و قابل پیش‌بینی است. استارت‌آپ‌ها برای برنامه‌ریزی بلندمدت نیاز به مقرراتی دارند که روشن، پایدار و متناسب با واقعیت‌های فناوری باشند. همچنین لازم است مرجع واحدی برای صدور مجوزها و پاسخ‌گویی مشخص شود تا از سردرگمی در تعامل با نهادهای مختلف جلوگیری شود. از طرفی به‌جای ارتباطات مقطعی یا غیررسمی، باید سازوکارهای مشخصی برای گفت‌وگوی مستمر میان رگولاتور و بازیگران بخش خصوصی ایجاد شود؛ مانند کمیته‌های مشورتی مشترک یا جلسات دوره‌ای. این تعامل سازنده می‌تواند به تصمیم‌سازی دقیق‌تر و واقع‌بینانه‌تر کمک کند. موضوع سوم هم راه‌اندازی محیط‌های کنترل شده مانند سندباکس هاست، محیط‌هایی که این امکان را می‌دهد که استارت‌آپ‌ها خدمات نوآورانه خود را با نظارت نهادهای مسئول، ابتدا به‌صورت محدود پیاده‌سازی و بررسی کنند و سپس در صورت تأیید، به بازار گسترده وارد شوند.

ترکیب این سه رویکرد می‌تواند هم مسیر نوآوری را هموار کند، هم اعتماد نهادهای ناظر و عمومی را جلب کرده و هم زمینه‌ساز توسعه خدمات سلامت دیجیتال با کیفیت، امن و قابل اتکا باشد.

تکروی صنفی و خود را صدای صنف معرفی کردن آن هم در یک رویکرد تقابلی با رگولاتور چه آسیبی برای کل اکوسیستم دارد؟

تک‌روی صنفی و ادعای صدای واحد صنف بدون اجماع، باعث بی‌اعتمادی رگولاتور، ایجاد فضای تقابلی و تضعیف مشروعیت صنفی می‌شود. این رویکرد انسجام درونی را خدشه‌دار کرده و فرصت گفت‌وگو و حل مسئله جمعی را از کل اکوسیستم می‌گیرد. با همکاری‌های بین کارگروه‌ها و کمیسیون‌های سلامت دیجیتال نهادهای متولی مختلف سعی بر اجماع و هم‌صدایی داریم.

ادامه از صفحه ۹

امین دولتی: دونکته را مطرح می‌کنم. نخست، هنگامی که داده‌ها به‌صورت شفاف مشخص نباشند، این عدم شفافیت باعث می‌شود که موضوع مصرف بیش از حد آنتی‌بیوتیک‌ها در کشور، که بسیار فراتر از استانداردهای جهانی است، به‌درستی بازتاب نیابد. این مسئله می‌تواند در آینده مشکلات جدی ایجاد کند. طبیعتاً برخی مجموعه‌ها از این عدم شفافیت و نبود داده‌های مشخص سود می‌برند. می‌توان این موضوع را پیگیری کرد تا به ریشه‌های آن رسید. همچنین، فسادهایی که در این حوزه رخ می‌دهند، در بلندمدت هزینه‌های هنگفتی به مردم و سازمان‌های بیمه‌گر تحمیل می‌کنند. این هزینه‌ها ناشی از عدم شفافیت و بهره‌نبردن از فناوری است که منجر به گم شدن داده‌ها می‌شود. اگر مردم آگاه شوند که میزان استفاده از خدمات رادیولوژی و تصویربرداری در کشور ما در مقایسه با استانداردهای جهانی بسیار بالاست و نباید به این شکل باشد، قطعاً رویکردها تغییر خواهد کرد. این هزینه‌ها از جیب مردم پرداخت می‌شود و در حوزه دارویی نیز همین وضعیت وجود دارد. مسلماً منافع برای برخی وجود دارد که تمایل دارند این وضعیت ادامه یابد.

نکته دوم، در دنیای امروز که اطلاعات ثبت و ضبط می‌شوند، باید از توان شرکت‌های پیشرو و قدرتمند استفاده کرد. این شرکت‌ها به تدریج با بهره‌گیری از ظرفیت‌هایشان تقویت می‌شوند و پس از سال‌ها، زمانی که نیاز به استفاده گسترده‌تر و پیشرفته‌تر از فناوری‌ها احساس می‌شود، می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند. این امر به‌ویژه در شرایطی که کشور نیاز به ارتقای سطح فناوری و رقابت در منطقه یا حتی در داخل دارد، اهمیت می‌یابد. برای این منظور، باید این شرکت‌ها را همراه کرد و از توانمندی‌هایشان بهره‌برد تا برای روزهای دشوار آماده شوند. اما رویکرد کنونی، تضعیف این شرکت‌هاست. این تضعیف نه تنها ممکن است به نابودی برخی از این شرکت‌ها منجر شود، بلکه نکته نگران‌کننده‌تر این است که در زمانی که فناوری‌های پیشرفته مانند هوش مصنوعی به یک

ضرورت تبدیل شده‌اند، نبود این شرکت‌های قوی می‌تواند مشکلات جدی ایجاد کند. می‌توان بررسی کرد که در ۲۰ سال گذشته، چه نهادها، اشخاص یا سازمان‌هایی در این زمینه کوتاهی کرده‌اند. یقیناً اگر این روند ادامه یابد، این مشکلات و مسئولیت آن به نام این افراد و سازمان‌ها ثبت خواهد شد. امیدوارم چنین روزی فرا نرسد، اما اگر با مشکل مواجه شویم، باید گفت که این هشدارها و اطلاع‌رسانی‌ها پیش‌تر ارائه شده بود و نشانه‌ها و راهنمایی‌های لازم داده شده است.

مهرشاد تیموری: در خصوص این موضوع، انتقادات و نگرانی‌های فراوانی دارم. یکی از مسائل اساسی این است که رابطه بین پلتفرم‌ها و پزشکان، اگر به‌درستی مدیریت شود، می‌تواند به پیشرفت سلامت دیجیتال کمک کند. اما وقتی این رابطه دچار اختلال می‌شود، اعتماد از بین می‌رود و عملاً امکان انجام هیچ‌گونه فعالیت مؤثری وجود نخواهد داشت. به عنوان مثال، اگر یک پلتفرم به‌گونه‌ای عمل کند که پزشک تجربه

ناخوشایندی داشته باشد، ممکن است آن پزشک به‌طور کامل استفاده از آن سرویس را کنار بگذارد. موضوع دیگر، صدور مجوزهای غیرضروری و بی‌ضابطه است که به‌صورت قارچ‌گونه به برخی افراد اعطا می‌شود. این امر باعث ظهور ناگهانی تعداد زیادی پلتفرم می‌شود که اغلب صلاحیت لازم برای فعالیت در این حوزه را ندارند. این پلتفرم‌ها گاه با سوءاستفاده از موقعیت، مشکلاتی ایجاد می‌کنند که به اعتماد عمومی آسیب می‌رساند. برای مثال، زمانی که یک پلتفرم اطلاعات حساسی مانند کد ملی را افشا می‌کند، کاربران ممکن است به‌طور کلی اعتماد خود را به همه سرویس‌های مشابه از دست بدهند و استفاده از آن‌ها را متوقف کنند. نبود نظارت کافی و اعطای بی‌رویه مجوزها منجر به ظهور تعداد زیادی پلتفرم می‌شود. در چنین شرایطی، وقتی هیچ‌گونه بررسی و نظارتی وجود ندارد، هر فردی ممکن است از این فضا سوءاستفاده کند. این سوءاستفاده‌ها اغلب به همه فعالان این حوزه آسیب می‌رساند. به عنوان نمونه، بارها مشاهده شده که سازمان‌هایی مانند تأمین اجتماعی، بیمه سلامت یا نظام پزشکی به‌صورت ناگهانی و بدون اطلاع‌رسانی قبلی، سرویسی را راه‌اندازی یا متوقف می‌کنند. این تصمیمات خلق الساعه باعث می‌شود که کاربران و پزشکان، که از پلتفرم استفاده می‌کنند، با مشکلات غیرمنتظره‌ای مواجه شوند و این مسائل را به پلتفرم نسبت دهند، در حالی که مسئولیت آن بر عهده پلتفرم نیست. با این حال، تمامی انتقادات و نارضایتی‌ها متوجه ما می‌شود. از سوی دیگر، تصمیم‌گیری‌های ناگهانی و برخورد یکسان با همه پلتفرم‌ها، بدون توجه به تفاوت‌هایشان، مشکلات را تشدید می‌کند. ما بارها تلاش کرده‌ایم با تشکیل انجمن یا صنف، منافع مشترک خود را پیگیری کنیم، اما به دلیل وجود تضاد منافع در بدنه حاکمیت و همچنین در میان پلتفرم‌های سلامت، این تلاش‌ها به نتیجه نرسیده است. هر گروه به دنبال منافع خود است و این پراکندگی مانع از ایجاد گفت‌وگو مشترک و همکاری بین پلتفرم‌ها می‌شود.

یکی دیگر از مشکلات، رقابت ناسالم در ارائه خدمات رایگان است. این سؤال مطرح می‌شود که چرا باید خدمات رایگان ارائه شود؟ حوزه سلامت دیجیتال برای قدرتمند شدن به منابع مالی نیاز دارد، اما ارائه خدمات رایگان این امکان را از بین می‌برد. پلتفرم‌ها هزینه‌های متعددی از جمله اجاره، قبوض آب و برق، اینترنت، حقوق کارمندان و هزینه‌های سرور دارند. ارائه خدمات رایگان نه تنها منطقی نیست، بلکه به ضرر کل اکوسیستم سلامت دیجیتال است. در طول دوازده سال فعالیت‌م در این حوزه، بارها شاهد این مسائل بوده‌ام. در نمایشگاه‌ها، همایش‌ها و کنگره‌های پزشکی، مشاهده می‌شود که پزشکان به‌راحتی هزینه‌های هنگفتی برای خرید دستگاه‌هایی مانند لیزر پرداخت می‌کنند، اما پرداخت هزینه اشتراک یک نرم‌افزار برایشان غیرعادی و بی‌ارزش به نظر می‌رسد. این دیدگاه نتیجه القای این ذهنیت است که نرم‌افزارها ارزش چندانی ندارند و باید رایگان باشند. تازمانی که این نگاه تغییر نکند، مشکلات این حوزه حل نخواهد شد.

اگر یک پلتفرم به‌گونه‌ای عمل کند که پزشک تجربه ناخوشایندی داشته باشد، ممکن است آن پزشک به‌طور کامل استفاده از آن سرویس را کنار بگذارد.

گزارش REPORT



چگونه یک میان‌وعده ساده به غول صنعت غذا تبدیل شد؟

انقلاب پروتئین بار

صنعت پروتئین بار از یک ایده ساده در دهه ۱۹۸۰ برای تأمین پروتئین ورزشکاران، به یک بازار چند میلیارد دلاری تبدیل شده است. داستان این صنعت، روایتی از نوآوری، تغییر عادات غذایی و پاسخ به نیازهای مدرن است. در آن زمان، شیک‌های پروتئینی محبوب بودند، اما نیاز به محصولی قابل حمل، جرقه خلق پروتئین بارها را از PowerBar در سال ۱۹۸۶ با معرفی محصولی حاوی پروتئین وی و کربوهیدرات‌ها، توجه ورزشکاران را جلب کرد و با بازاریابی هوشمندانه این محصول را به دست مصرف‌کنندگان عادی رساند.

در دهه ۱۹۹۰، با رشد فرهنگ تناسب‌اندام و آگاهی درباره تغذیه، تقاضا برای پروتئین بارها افزایش یافت. برندهایی مانند Clif و Balance با تنوع در طعم و ترکیبات، این محصولات را برای افراد پرمشغله و نه فقط ورزشکاران جذاب کردند. فناوری تولید پیشرفته‌تر، امکان افزودن موادی مانند مغزها، عسل و شکلات را فراهم کرد و پروتئین بارها به میان‌وعده‌ای محبوب تبدیل شدند.

بازار جهانی پروتئین بار در سال ۲۰۲۳ به ارزش ۴٫۵ میلیارد دلار رسید و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۰ به بیش از ۷ میلیارد دلار برسد. این رشد در آمریکای شمالی و اروپا پررنگ‌تر است، اما بازارهای نوظهور آسیا و خاورمیانه نیز در حال گسترش هستند. نوآوری‌هایی مانند پروتئین بارهای گیاهی و کم‌قند، نیازهای متنوع مصرف‌کنندگان را هدف قرار داده‌اند.

با وجود موفقیت، چالش‌هایی مانند رقابت شدید، هزینه‌های مواد اولیه و نگرانی‌های زیست‌محیطی مرتبط با بسته‌بندی وجود دارد. صنعت پروتئین بار با حرکت به سمت محصولات سالم‌تر و بسته‌بندی پایدار، به دنبال غلبه بر این موانع است. این صنعت دیگر تنها برای ورزشکاران نیست؛ بلکه بخشی از سبک زندگی مدرن شده و آینده‌ای روشن پیش رو دارد.



شماره ۱۶۹
مهر ۱۴۰۴
سال پنجم



سیاست دوگانه در قبال نیروی کار

جنگال اخراج‌های مایکروسافت: از خشم کارمندان تا واکنش معاون رییس جمهور آمریکا

مایکروسافت، یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های فناوری جهان، در سال ۲۰۲۵ با موجی از اخراج‌های گسترده و هم‌زمان با آن، درخواست‌های فراوان برای جذب کارگران خارجی از طریق ویزای H-1B حسابی خبرساز شده است. این وضعیت ظاهراً متناقض، جنگال‌های سیاسی و اجتماعی گسترده‌ای را در آمریکا به همراه داشته و مباحث جدی درباره سیاست‌های مهاجرتی و بازار کار این کشور راه انداخته است. به نظر می‌رسد این تصمیم‌ها درست در روزهایی که دولت ترامپ با شعار «اول آمریکا» تأکید زیادی روی به‌کارگیری نیروهای آمریکایی در اقتصاد این کشور دارد برای مایکروسافت بدون دردسر نباشد.

کارمندان از سراسر جهان شغل خود را از دست دادند. این رقم معادل تقریباً ۴ درصد از کل نیروی کار این غول فناوری است. قبل از این، در ماه می حدود ۶ هزار نفر و در خرداد نیز حدود ۳۰۰ نفر دیگر اخراج شده بودند.

آمار و ارقام تکان‌دهنده

مایکروسافت در طول سال ۲۰۲۵ سه موج عمده اخراج را اجرا کرده است. آخرین دور این اخراج‌ها همین چند روز پیش و در جولای ۲۰۲۵ اعلام شد که طبق آن حدود ۹ هزار

تفاوت اصلی بین وعده‌های تبلیغاتی و واقعیت کسب‌وکار در چیست. آمازون همیشه شعار «قیمت‌های پایین» می‌داد، اما کاستکو این شعار را به یک اصل خدشه‌ناپذیر تبدیل کرده بود.

سینیگال در کاستکو فرهنگی ایجاد کرده بود که در آن کاهش قیمت‌ها نه یک تاکتیک موقت، که یک اعتقاد راسخ بود. چارلی مانگر، سرمایه‌گذار افسانه‌ای و شریک وارن بافت، این نگرش را «یک وظیفه مذهبی» توصیف می‌کرد. داستان معروف هات‌داگ ۱.۵ دلاری کاستکو که از سال ۱۹۸۴ تا امروز قیمتش بدون تغییر مانده، گواه این تعهد بود. وقتی یکی از مدیران پیشنهاد افزایش قیمت این محصول پرطرفدار امضا کرده را داد، سینیگال با شوخی تهدیدآمیزی

درسی که سینیگال به بزوس داد قیمت‌گذاری پایین اما بدون اجبار

در اوایل سال ۲۰۰۱، جف بزوس پس از یک ملاقات کوتاه با جیم سینیگال، بنیان‌گذار فروشگاه‌های زنجیره‌ای کاستکو، دیدگاهش درباره قیمت‌گذاری محصولات برای همیشه تغییر کرد. آن جلسه غیررسمی با نوشیدن یک فنجان قهوه همراه بود، مسیر آمازون را به سمتی برد که کمتر کسی انتظارش را داشت. بزوس متوجه شده بود که



راز بزرگ تری که کنسرت کلدپلی فاش کرد

چرا همه با HR چپ هستند؟!

اصلی بی‌اعتمادی کارکنان به واحد منابع انسانی و مدیرانش، تبعیض و دوگانگی در برخورد با مسائل است. برای مثال، مدیرانی که مرتکب رفتارهای غیراخلاقی می‌شوند، تنها با اخطارهای جزئی مواجه می‌شوند، در حالی که کارمندان عادی برای اشتباهات کوچک مجازات می‌شوند. این ناهماهنگی در استانداردها، به‌ویژه در فرایندهای ارتقا و افزایش حقوق، اعتماد را از بین می‌برد و حس بی‌عدالتی را در سازمان گسترش می‌دهد.

همچنین، وقتی کارکنان از رفتارهای سمی مدیران شکایت می‌کنند، انتظار دارند منابع انسانی از آن‌ها حمایت کند، اما در عمل، این بخش اغلب جانب مدیران را می‌گیرد و از آدم‌های مشکل‌ساز محافظت می‌کند. این رفتار نه تنها کارمندان را در موقعیت بی‌پناهی قرار می‌دهد، بلکه فرهنگ ترس و سکوت را در سازمان تقویت می‌کند.

از سوی دیگر، برخی منتقدان معتقدند که مدیران منابع انسانی فاقد دیدگاه استراتژیک هستند و بیش از حد بر کارهای اداری متمرکزند، بدون آنکه درکی از نیازهای واقعی کسب‌وکار داشته باشند. این مسئله باعث می‌شود HR به جای ارائه راه‌حل‌های خلاقانه، به مانعی برای پیشرفت سازمان تبدیل شود.

علاوه بر این، عدم توجه واحدهای منابع انسانی به رشد و توسعه کارکنان، مانند ارائه ندادن بازخوردهای سازنده یا برنامه‌ریزی برای پیشرفت شغلی، منجر به نارضایتی و افزایش نرخ ترک خدمت می‌شود. در نهایت، وقتی کارکنان به این نتیجه می‌رسند که نمی‌توانند به HR اعتماد کنند، ترجیح می‌دهند سازمان را ترک کنند تا در محیطی سمی و ناعادلانه باقی بمانند. این چرخه نه تنها به روحیه کارکنان آسیب می‌زند، بلکه منجر به فرار استعدادها و تضعیف عملکرد کلی سازمان می‌شود.

واقعۀ کنسرت کلدپلی که در آن مدیرعامل شرکت استرونومر به نام و مدیر منابع انسانی آن در آغوش هم دیده شدند، واکنش‌های گسترده‌ای در سطح جهانی برانگیخت که نشان‌دهنده نگرش پیچیده نسبت به واحد و مدیران منابع انسانی شرکت‌هاست. کاربران اینترنت با انتشار طیف گسترده‌ای از میم‌ها، شوخی‌ها و حتی اطلاعات نادرست واکنش نشان دادند. یک پست در پلتفرم ایکس که ادعا می‌کرد بیانیه عذرخواهی مدیرعامل را منتشر کرده، بیش از ۵/۳ میلیون بار مشاهده شد.

کلیپ‌هایی از سریال‌هایی مانند سوپرانوها، سیمپسون‌ها، وراث و... برای طنزکردن این لحظه و ایرال استفاده شدند. میم‌هایی با عنوان «این و مدیر منابع انسانی‌ات» در میان بهترین طنزهای این ماجرا محسوب شدند. یکی از سؤالات جدی که پیش آمد این بود که چرا کاربران در شبکه‌های اجتماعی این صحنه را فرصتی دیدند تا دق دلی خود را بر سر منابع انسانی شرکت‌ها خالی کنند. چرا این واحد مهم در شرکت‌ها مورد لعن و نفرت کارمندان است و جای چه استراتژی‌هایی برای بهبود این وضع نابسامان خالی است.

در بسیاری از سازمان‌ها، بخش منابع انسانی (HR) به جای ایفای نقش حامی و تسهیل‌گر، به یک نهاد کنترل‌گر و بوروکراتیک تبدیل شده است. این اتفاق زمانی رخ می‌دهد که تمرکز این بخش بر اجرای قوانین جزئی و منسوخ، مانند تنبیه کارمندان برای تاخیرهای کوتاه یا پیگیری سخت‌گیرانه مسائل ظاهری، قرار می‌گیرد، در حالی که مسائل کلیدی مانند کیفیت کار یا رفتارهای ناعادلانه نادیده گرفته می‌شوند. این رویکرد، HR را شبیه به یک نیروی انتظامی داخلی می‌کند که به جای حل مشکلات واقعی، بر تشریفات اداری پافشاری می‌کند. یکی از عوامل





نقش جنسن هوانگ در سیاست‌های منابع انسانی

نگاهی به سبک مدیریتی خستگی‌ناپذیر مدیرعامل انویدیا

این نشان‌دهنده مشارکت او در جنبه‌های مختلف شرکت است. انویدیا به دلیل بسته‌های حقوقی جذاب، شامل سهام شرکت، شناخته شده است که احتمالاً تحت نظارت استراتژیک هوانگ طراحی شده‌اند.

انویدیا به دلیل ارائه بسته‌های حقوقی رقابتی و مزایای قابل توجه، از جمله سهام شرکت، محیطی جذاب برای حفظ استعدادها ایجاد کرده است. طبق گزارش فورچون، این بسته‌های حقوقی باعث شده‌اند که ترک شغل برای کارکنان دشوار باشد. ارزش سهام انویدیا در سال‌های اخیر به شدت افزایش یافته و دارایی خالص هوانگ به حدود ۱۲۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۵ رسیده است. این رشد به کارکنان نیز از طریق سهام شرکت سود رسانده است.

هوانگ در سخنرانی‌اش در دانشگاه استنفورد در سال ۲۰۰۳ تأکید کرد که زمان خود را صرف حوزه‌هایی با تأثیر بلندمدت، مانند برنامه‌ریزی محصول و استراتژی می‌کند. او همچنین از ساختار سازمانی مسطح حمایت می‌کند که فاصله بین کارکنان و مدیریت ارشد را کاهش می‌دهد.

سبک مدیریتی جنسن هوانگ بر نظرات استراتژیک، حفظ فرهنگ سازمانی و توانمندسازی کارکنان از طریق دسترسی برابر به اطلاعات متمرکز است. در حالی که او در زمان‌های بحرانی مانند دهه ۱۹۹۰، در مدیریت منابع مالی و پرداخت حقوق نقش داشته، این دخالت در سطح کلان بوده است. ارتباط نزدیک او با کارکنان و دریافت گزارش‌های مستقیم نشان‌دهنده آگاهی او از نیازها و عملکرد آن‌هاست.



جنسن هوانگ، مدیرعامل و هم‌بنیان‌گذار انویدیا، به دلیل سبک مدیریتی منحصربه‌فرد و نقش کلیدی‌اش در تبدیل این شرکت به یکی از ارزشمندترین شرکت‌های جهان شناخته می‌شود. با ارزش بازار بیش از ۴ تریلیون دلار در سال ۲۰۲۵، انویدیا در حوزه هوش مصنوعی و پردازنده‌های گرافیکی پیشتاز است. سبک کاری خستگی‌ناپذیر هوانگ، که شامل ۱۴ ساعت کار روزانه در ۷ روز هفته است، و ارتباط نزدیک او با کارکنان، موضوعاتی هستند که توجه بسیاری را جلب کرده‌اند.

جنسن هوانگ، مدیرعامل ۶۲ ساله انویدیا به دلیل تعهد بی‌وقفه به کار و سبک رهبری مشارکت‌جویانه‌اش شناخته شده است. او روزانه ۱۴ ساعت کار می‌کند و حتی در تعطیلات نیز مشغول است. طبق مصاحبه‌اش با Minutes 60، هوانگ خود را «سخت‌گیر، کمال‌گرا و بدقلق» توصیف می‌کند و معتقد است موفقیت‌های بزرگ نیازمند تلاش و رنج است.

هوانگ ارتباط نزدیکی با کارکنان دارد و به گفته خودش، زمان زیادی را در کافه‌تری یا جلسات گروهی با آن‌ها می‌گذراند. او از جلسات تک‌به‌تک اجتناب می‌کند و ترجیح می‌دهد اطلاعات را به صورت شفاف با همه به اشتراک بگذارد. این سبک مدیریت به او امکان می‌دهد تا به‌عنوان «نگهبان فرهنگ سازمانی» عمل کند و از ایده‌ها و نظرات کارکنان آگاه شود.

طبق گزارش اینسایدر، هوانگ از کارکنان انتظار «صداقت فکری» و بهبود مستمر دارد و حتی گاهی به ایمیل‌های حاوی پنج اولویت اصلی کارکنان پاسخ می‌دهد.

بالا نشان‌دهنده تمایل قوی این شرکت به استفاده از نیروی کار خارجی است. ویزای IB-H برنامه‌ای فدرال است که به شرکت‌های آمریکایی اجازه می‌دهد کارگران ماهر خارجی را به صورت موقت استخدام کنند. این برنامه در اصل برای پر کردن کمبود نیروی کار ماهر در مشاغل تخصصی طراحی شده، اما اغلب مورد انتقاد قرار می‌گیرد؛ زیرا ممکن است منجر به جایگزینی کارگران آمریکایی با نیروی کار ارزان‌تر شود.

جنجال‌های سیاسی و اجتماعی

رفتار ظاهرآ متناقض مایکروسافت واکنش‌های تندی را در شبکه‌های اجتماعی و میان مخالفان ویزای IB-H برانگیخته است. منتقدان استدلال می‌کنند که این شرکت درحالی که کارمندان آمریکایی را اخراج می‌کند، به دنبال جذب کارگران خارجی ارزان‌تر است.

یکی از کشورهایی که متخصصان آن بیش از هر کشور دیگری از این طریق به آمریکا مهاجرت می‌کنند هند است. موضوعی که باعث شده باتوجه به اصالت هندی مدیرعامل مایکروسافت در شبکه‌های اجتماعی نقدهای جدی به موج اخراج‌های جدید وارد شود.

خشم عمومی عمدتاً ناشی از این نگرانی است که کسانی که با ویزای IB-H مشغول کار می‌شوند معمولاً با دستمزدهای کمتر نسبت به هم‌تایان آمریکایی خود استخدام می‌شوند، که این امر می‌تواند منجر به تخریب استانداردهای دستمزد و شرایط کاری شود. در تازه‌ترین واکنش جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا هشدارهایی درباره سوءاستفاده از برنامه ویزای IB-H صادر کرده است. این موضع‌گیری نشان‌دهنده نگرانی‌های سیاسی درباره تأثیر این برنامه بر کارگران آمریکایی است. دولت آمریکا تحت فشار فزاینده‌ای برای بازنگری در قوانین و مقررات مربوط به ویزاهای IB-H قرار گرفته تا از سوءاستفاده احتمالی جلوگیری کند. این جنجال می‌تواند تأثیرات مهمی بر آینده سیاست‌های مهاجرتی آمریکا داشته باشد. فشارهای عمومی و سیاسی ممکن است منجر به اصلاحات جدی در برنامه IB-H شود که تأثیر قابل توجهی بر صنعت فناوری خواهد داشت. ساتیا نادلا مدیرعامل این شرکت در ایمیلی عجیب و استعاری که خشم زیادی را بین کارمندان اخراجی ایجاد کرده گفته: «این معمای موفقیت در صنعتی است که هیچ‌گونه ارزش انحصاری ندارد. پیشرفت خطی نیست. پویاست، گاه ناهماهنگ است و همواره طلبکار. اما همچنین فرصتی تازه برای ماست تا بیش از هر زمان دیگری شکل دهیم، پیشتاز باشیم و تأثیر عمیق‌تری بگذاریم.»

وضعیت مایکروسافت نمونه‌ای از چالش‌های پیچیده‌ای است که شرکت‌های فناوری بزرگ با آن روبرو هستند. تعادل بین نیازهای کسب‌وکار، مسئولیت‌های اجتماعی، و انتظارات سیاسی موضوعی است که نیاز به راه‌حل‌های دقیق و متعادل دارد. این جنجال احتمالاً پیش‌درآمدی بر بحث‌های وسیع‌تر درباره آینده بازار کار آمریکا و نقش نیروی کار خارجی در اقتصاد این کشور خواهد بود.

در مجموع، مایکروسافت در سال ۲۰۲۵ بیش از ۱۵ هزار نفر از کارکنان خود را اخراج کرده که این رقم نشان‌دهنده یکی از بزرگ‌ترین موج‌های کاهش نیروی کار در تاریخ این شرکت محسوب می‌شود. این اخراج‌ها عمدتاً در بخش‌های مختلف از جمله فروش، بازاریابی، و برخی واحدهای فنی صورت گرفته است. جالب توجه این است که این اخراج‌های گسترده در شرایطی صورت گرفته که مایکروسافت عملکرد مالی بسیار قوی و روبه‌رشدی داشته است. بر اساس گزارش‌های مالی، درآمد این شرکت در سال مالی ۲۰۲۴ به میزان ۱۶ درصد رشد کرده و درآمدهای ابری آن نیز ۲۱ درصد افزایش یافته است. درآمدهای تبلیغاتی جستجو و اخبار نیز در ربع‌های مختلف بین ۱۲ تا ۲۳ درصد رشد داشته است. این وضعیت پارادوکسی ایجاد کرده که در آن شرکت علی‌رغم رشد درآمدها و سودآوری، همچنان به کاهش نیروی کار ادامه می‌دهد، که این امر سؤالات جدی درباره انگیزه‌های واقعی این تصمیمات را مطرح می‌کند. درآمد خالص این شرکت در سه فصل مالی اخیر به حدود ۷۵ میلیارد دلار رسیده است. مایکروسافت همچنین ۸۰ میلیارد دلار برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های هوش مصنوعی هزینه کرده یا خواهد کرد. ارزش سهام این شرکت امسال ۲۱٪ افزایش یافته و به بالاترین رقم تاریخ خود رسید.

سرمایه‌گذاری عظیم در هوش مصنوعی

یکی از جنبه‌های بحث‌برانگیزتر این وضعیت، سرمایه‌گذاری عظیم مایکروسافت در حوزه هوش مصنوعی است. این شرکت اعلام کرده که قصد دارد در سال مالی ۲۰۲۵ حدود ۸۰ میلیارد دلار صرف توسعه مراکز داده‌ای کند که قابلیت آموزش مدل‌های هوش مصنوعی و اجرای برنامه‌های مبتنی بر AI را دارند. این رقم ۲۵ میلیارد دلار بیشتر از سال مالی قبل است. علاوه بر این، مایکروسافت تاکنون حدود ۱۳ تا ۱۴ میلیارد دلار در OpenAI، سازنده چت‌جی‌پی‌تی، سرمایه‌گذاری کرده است. این شراکت استراتژیک نقش کلیدی در رشد درآمدهای مایکروسافت داشته و این شرکت را پیشگام رقابت هوش مصنوعی قرار داده است. وجود چنین سرمایه‌گذاری‌های عظیم در کنار اخراج‌های گسترده، تناقض عمیقی را آشکار می‌سازد. سؤال اصلی این است که چرا شرکتی که منابع مالی فراوان برای سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین دارد و درآمدهایش هم افزایش یافته، هم‌زمان مجبور به کاهش نیروی کار انسانی است؟

درخواست ویزا: هندی‌های بیشتری در راهند؟

در همان زمانی که مایکروسافت مشغول اخراج هزاران کارمند بود، این شرکت تا ۶ هزار درخواست ویزای H-1B برای جذب نیروی ماهر خارجی ارائه داده است. این ویزاها عمدتاً برای دوره‌ای از ۲۰۲۵ تا ۲۰۲۸ در نظر گرفته شده‌اند. آمار نشان می‌دهد که مایکروسافت در فاصله ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۴، به‌ازای هر یک شغل خالص جدیدی که در آمریکا ایجاد کرده، ۵.۱۷ درخواست H-1B ارائه داده است. این نسبت

پاسخ داد: «اگر قیمت‌ها تا داگ را افزایش دهی، تو را خواهم کشت.» راه‌حل نهایی؟ ساخت یک کارخانه اختصاصی برای تولید هات‌داگ تا بتوانند بدون افزایش قیمت، به فروش ادامه دهند. این فلسفه قیمت‌گذاری که سام‌والتون در والمارت هم آن را پیاده کرده بود، در واقع یک استراتژی بلندمدت هوشمندانه بود. هر صفره‌جویی ناشی از مقیاس یا بهبود کارایی، مستقیماً به جیب مشتری بازمی‌گشت. این چرخه فضیلت، وفاداری مشتریان را افزایش می‌داد و رشد پایدار را ممکن می‌ساخت. بزوس این درس را به‌خوبی فرا گرفت و در آمازون به کار بست، حتی اگر در کوتاه‌مدت به معنای فروش برخی محصولات با ضرر بود. در دنیای خرده‌فروشی، شرکت‌هایی مانند کاستکو و

والمارت با اختیار کامل، مدل کسب‌وکار خود را طراحی کرده‌اند و این نکته کنکوری ماجراست. اینکه قیمت پایین باید انتخاب شما باشد نه اجبار. اگر به دلیل ضعف در کسب‌وکار یا محصولاتان مجبورید قیمت‌ها را پایین بیاورید تا زنده بمانید دیگر نمی‌توانید ادعا کنید از روش کاستکو یا آمازون پیروی می‌کنید! شاید درس نهایی این باشد که در هر صنعتی - از خرده‌فروشی تا فناوری دفترکل توزیع شده - آن‌هایی که می‌توانند کاهش هزینه‌ها را به یک مزیت رقابتی پایدار تبدیل کنند، در بلندمدت پیروز میدان خواهند بود. اما این گذار از مرحله «مجبور بودن» به «انتخاب آگاهانه»، همان نقطه‌ای است که سینیگال و بزوس را از دیگران متمایز کرد.



شماره ۱۶۹
مرداد ۱۴۰۴
سال پنجم

یک قوطی کبریت خاطره انگیز



کبریت سازی صنعتی پیچیده با تکیه بر مواد اولیه غیرقابل دسترس نیست، اما پس از چند دهه نتوانسته ایم جایگاه مناسبی در این زمینه بیابیم

شاهی حقوق گمرکی دریافت شده است. با استقبال مردم از این محصول، نبردی برای کسب سهم بازار شکل گرفت. این نبرد پیرو مناسبات حاکم بر آن زمان بود و متجاوزان روسی و انگلیسی نیز در آن نقش آفرینی کردند. در همین روند پولیاکوف روس، نخستین کارخانه کبریت سازی را در املاک امین الدوله در تهران راه اندازی کرد، اما ارزیابی درستی از چوب مصرفی نداشت و تأمین آن در تهران مقدور نبود. از طرفی واردکنندگان کبریت اتریشی و سوئدی حق گمرکی کمتری پرداخت می کردند که ادامه تولید را برای پولیاکوف زیان آور کرد. در سال ۱۳۰۰ کارخانه کبریت ممتاز با واردات دستگاه های پیشرفته کارش را شروع کرد و در آن زمان با داشتن بیش از ۵۰ کارگر در فهرست پنج کارخانه بزرگ کشور قرار گرفت.



مهران امیری
mehranamiri@gmail.com

تولید با دست های بسته

کبریت سازی با همه نیازی که به آن وجود داشت، در چرخه اقتصادی ماندگار نشد. حمایت گسترده مجلس از این صنعت، ایجاد انحصار و معافیت مالیاتی به آن ها برای تولید محصول قابل رقابت کمک نکرد. تولید کبریت داخلی تا دهه ۲۰ پاسخگوی مصرف داخلی نبود. حتی بروز درگیری های استقلال پاکستان از هند که بازار بزرگ پاکستان را هم در اختیار گذاشت، نتوانست به رشد این صنعت کمک کند. این وضعیت در دهه ۶۰ و دوران جنگ تحمیلی نیز ادامه داشت و تولید و عرضه کبریت با همه حمایت های دولتی همچنان ناکارآمد بود. در همه سال های قرن حاضر تنها در دهه های ۴۰ و ۵۰ که مداخله دولت در این زمینه به کمترین پایه رسید و سرمایه گذاران ماشین آلات لازم را وارد کردند، زمینه رقابت و گسترش تولید فراهم شد. صنعتگران اما با تولد و رشد این صنعت همراه بودند. کبریت سازی صنعتی پیچیده با تکیه بر مواد اولیه غیرقابل دسترس نیست، اما پس از چند دهه نتوانسته ایم جایگاه مناسبی در این زمینه بیابیم. نداشتن برنامه توسعه، ارزیابی نامناسب نیازهای تولید، مداخله دولت و سیاست در تولید و نوسان های اجتماعی و سیاسی دست و پای این صنعت را از روزهای پایه گذاری تا واگذاری میدان به فناوری های جدید بسته است.

تا چند دهه پیش کبریت یکی از تولیدات دارای جایگاه با ارزش صنعتی در ایران و بسیاری از کشورهای دیگر بود. پیش از آن، برافروختن آتش نیاز به ابزارهایی داشت که باید برای استفاده و نگهداری از آن ها دشواری هایی را می پذیرفتیم. ساخت کبریت موجب شد آتش در همه جا و همه وقت در دسترس باشد. یکی از راه های مرسوم برای افروختن آتش تا پیش از ساخت کبریت، انتقال آن از آتشدان بود. این کار را باید با دشواری و سرعت انجام می دادند. اصطلاح «مگر آمده ای آتش ببری» نیز از همین جاریشه گرفته. اما همین محصول که اندازه کوچکش هم مقیاس اندازه گیری به ویژه در گفت و گوهای روزمره شده، دیرزمانی جایگاهی ارزشمند در سبد تولیدات صنعتی داشت تا آنجا که در دوره ای از تاریخ کشور (از

سال ۱۳۱۰) قانون انحصار کبریت در مجلس شورای ملی تصویب شد. در این دوران که همزمان با جنگ جهانی دوم نیز بود، کبریت سازی در کنار نساجی و قند در فهرست کوتاه صنایع پیشرو کشور قرار داشت. آنچه که در این صنعت رخ داد، درس های بزرگی برای زیست بوم کسب و کار و تولید در کشور است.

تاریخ مختصر کبریت سازی

نخستین کارگاه تولید کبریت ایران در ۱۲۸۶ خورشیدی به دستور محمدعلی شاه به وسیله مهندسان آلمانی در تبریز راه اندازی شد که آن را «کبریت سازی اسلام» نام گذاری کردند. پس از آن در سال ۱۲۸۷ «کبریت سازی ایرانیان» محصولی به نام «اقتصاد» تولید و روانه بازار کرد. اما اوضاع آشفته کشور و تبریز راه ادامه کار این کارگاه ها را بست. در سال ۱۲۹۷ دو کارگاه کبریت سازی میرزا حسین واعظ و توکلی شروع به کار کردند. واعظ که پیشینه ای در مبارزات مشروطه داشت، برای رفع نیاز به کبریت روسیه تصمیم به تولید گرفت و قوطی های کبریت تولیدی خود را به محل نوشتن شعارهای میهنی تبدیل کرد. تولید کبریت برای او بیش از آنکه یک کار اقتصادی باشد، اقدامی میهنی بود و بی توجهی به کیفیت تولید موجب ناکامی وی در بازار شد. ورود کبریت به ایران همزمان با شروع سفرهای خارجی بود. آمار ثبت شده گمرک از سال ۱۲۸۲ نشان می دهد که در همین سال ۳۷۳ هزار باتمان (بسته سه کیلویی) کبریت وارد شده و برای هر بسته سه کیلویی هشت



تقی توکلی چطور از کارخانه کبریت سازی شروع کرد و چرادرزمره نوآوران ایران قرار می گیرد؟ بی خطر اما خاطره ساز

زندگی کارخانه پس از مرگ بنیانگذارش در سال ۱۳۳۷ و با حضور فرزندش همچنان ادامه می یابد. اما محمدتقی توکلی، مهندس جوانی که از آمریکا برای اداره کارخانه پدر بازگشته بود، تنها به اداره امور جاری کارخانه بسنده نمی کند. او کمبودهای زیرساخت کارخانه را پیدا می کند و دست به کار رفع آن ها می شود. یکی از ویژگی های ماندگار اقدامات توکلی آن است که به جای متوقف شدن در مقابل رقابت سنگین

با محصولات خارجی و کاهش اقبال عمومی به کبریت، روند کاهش هزینه و مدیریت زیرساخت تولید را در پیش می گیرد.

بر پایه همین دیدگاه است که وی نخستین کارخانه برق خصوصی کشور

را در کنار کبریت سازی می سازد و برای تدارک قطعات یدکی، کارگاه تولید ماشین آلات را ایجاد می کند تا چرخه تولید کبریت با کمترین مشکل ادامه یابد. توکلی همچنین با انتخاب هوشمندانه شعار «کبریت بی خطر» تلاش برای خلق ارزش و کارآمدی در دیدگاه مشتری را به شکلی اثرگذار دنبال می کند.

در حالی که بررسی بازار جهانی در میانه دهه ۳۰ نشان می دهد کبریت سازی در مقابل فناوری ها و ابزارهای نوین جایگاه خود را از دست خواهد داد، توکلی از ظرفیت هایی که در اختیار دارد استفاده و اقدام به تأسیس کارخانه هایی متناسب با نیازهای جدید می کند. ساخت نخستین کارخانه نئوپان، نخستین کارخانه روکش فورمیکا و نخستین کارخانه تولید صنعتی کابینت آشپزخانه نتیجه همین راهبرد است. در نتیجه همین اقدامات است که او نه تنها کارخانه خود را تا چند دهه بعد فعال نگه می دارد، بلکه مورد توجه کارگزاران دولتی قرار می گیرد و درگیر تأسیس کارخانه مس سرچشمه و سپس وزارت نیرو می شود.

پایه گذار شعار «کبریت بی خطر» راه عبور از مخاطرات بازار را برای کارخانه خود هموار کرد و طی سال های بعد از آن به بسیاری از مدیران آموخت که برای گذر از چالش های فناوری های نو باید آماده شد و تلاش کرد.

عبارت «کبریت بی خطر» آن قدر خوب با مشتری پیوند خورده که تبدیل به یک مثل شده است. این عبارت، شعار کلیدی کارخانه کبریت توکلی بود که توانست چند دهه خود را در بازار کبریت کشور به رخ بکشد. گرچه کبریت سازی توکلی خودش را با همین شعار ساده ولی هوشمندانه به یکی از اجزای فرهنگ طنزای کشور تبدیل کرد، اما این تنها خدمت خاندان توکلی به اقتصاد کشور نبود.

توکلی چگونه تبدیل به تولیدکننده سرشناس در بازار رقابتی کبریت سازی در سال های آغاز قرن شد و مسیری که پایه گذاری کرد، چه تأثیری در رشد صنعت کشور داشت؟ تقی توکلی، پایه گذار کارخانه، از فرزندان خانواده

توکلی است که پس از قرارداد ترکمانچای از ایروان به تبریز مهاجرت کردند. مهاجرت این خانواده به ایران با ناآرامی های سیاسی در مرزهای شمالی کشور همزمان بود و حواشی درگیری های پس از جنگ جهانی اول روزهای سختی را برای این خانواده و فرزندان رقم زد. توکلی ها پس از استقرار در تبریز با موج نیاز به کبریت در دهه نخست قرن همراه می شوند و کارگاه خود را در سال ۱۳۱۰ در تبریز راه اندازی می کنند. بروز ناآرامی های سیاسی در کشور و ماجراهایی که در تبریز و شهرهای پیرامون آن رخ می دهد، موجب تعطیلی کارگاه می شود، اما توکلی چند سال بعد و دوباره آن را زنده می کند که



این مرتبه با بروز جنگ جهانی دوم همزمانی پیدا می کند.



شماره ۱۶۹
۱۲ مرداد ۱۴۰۴
سال پنجم



فناوری‌های نوین چگونه به درآمدزایی موزیسین‌ها کمک می‌کنند؟ بلیت یک‌طرفه برای گوش دادن به موسیقی

که حق شنیدن خریداری می‌شود، آن مشترک می‌تواند موسیقی موردنظر را گوش و دانلود کند، اما به وسیله فرایند رمزگذاری، اشتراک‌گذاری آن خارج از پلتفرم غیرممکن و در پلتفرم تنها با دیگر خریداران ممکن است. حال اگر در چند دستگاه مختلف بخواهیم از موسیقی خود لذت ببریم چه؟ در هر حال هر خرید تنها آی‌پی یک دستگاه ثابت می‌کند. این مشکل نیز با فناوری احراز هویت دوعاملی قابل حل است. این رمزگذاری در ادامه می‌تواند روی پلتفرم‌های گوش کردن موسیقی به شکل فیزیکی مانند صفحه‌ها و دیسک‌ها نیز سوار شود تا شاید یک روز دزدی موسیقی هم در فضای آنلاین و هم در فضای آفلاین از بین برود.

نقض حقوق معنوی و تکثیر آثار موسیقی یکی از بزرگ‌ترین مشکلات این صنعت است. بنا بر داده‌های منتشرشده بنیاد نوآوری و فناوری اطلاعات آمریکا، تنها ۶۷ درصد موسیقی مورد مصرف در آمریکا خریداری شده و دزدی آنلاین محصولات در اینترنت بیش از ۲۴ درصد مصرف اینترنت در دنیا را تشکیل می‌دهد. اما حالا صحبت از ایده جدیدی برای مبارزه با این جریان است: بلیت یک‌طرفه آی‌پی محور. نامش بسیار گیج‌کننده است، اما فرایند نسبتاً ساده‌ای دارد: ساخت یک پلتفرم کلی برای شنیدن و خریداری موسیقی که یک فایروال از آن محافظت می‌کند و آی‌پی خریداران را نشان می‌کند و به عنوان بلیت به کار می‌گیرد. وقتی



توکن‌های غیرقابل معاوضه شمشیری علیه دلالان؟

موسیقی را به شکل مستقیم و بدون واسطه ممکن و همچنین امکان تأیید اصالت اثر را تضمین می‌کند. هر آلبوم یا قطعه می‌تواند با کد اختصاصی خود، بدون همتا، بدون نقض حق تکثیر و بدون واسطه به دست مشتری برسد. ان اف تی‌ها در سال ۲۰۲۱ با انفجاری در محبوبیت مواجه شدند و تاکنون نزدیک به یک میلیارد دلار آثار هنری مختلف از طریق این توکن‌ها به فروش رسیده‌اند. شبکه بلاکچین اصلی بیشتر ان اف تی‌ها در حال حاضر اتریوم است و در صورت ادامه محبوبیت می‌تواند بیش از پیش به کسب درآمد هنرمندان، کوتاه شدن دست دلالان و تهیه‌کنندگان موسیقی و تضمین اصالت آثار کمک کند.

اگر با عرصه فناوری‌های جدید هنری آشنا باشید، حتما اسم توکن‌های غیرقابل معاوضه یا همان NFTها را شنیده‌اید. با این حال به واسطه پیشینه کم این فناوری، شیوه کار آن همچنان کم‌وبیش ناشناخته است. جالب است بدانید که در اینجا هم این فناوری بلاکچین است که بار دیگر در جهت مرکزیت‌زدایی و عدالت مالی قدم برداشته: یک توکن غیرقابل معاوضه، یک واحد ذخیره اطلاعات (در این مورد یک قطعه یا آلبوم موسیقی) ثبت‌شده روی زنجیره بلوک‌هاست که برخلاف رمزارزها، قابلیت معاوضه ندارد و تنها انتقال مالکیت آن در قبال دارایی دیگری ممکن است. این فناوری امکان عرضه آثار هنری از جمله



نوای بی‌عدالتی

با انقلاب اینترنت در صنعت سرگرمی ثروت زیادی در بخش‌های مختلف آن جاری شده، اما در این میان موسیقی رتبه اول نابرابری ثروت را به خود اختصاص داده است.

دارید به یک آهنگ در قالب‌های مختلف گوش می‌دهید. دلیل این اتفاق این است که این سه ناشر تنها با تعداد محدودی از تهیه‌کنندگان کار می‌کنند که همگی کم‌وبیش از شیوه‌های یکسان تولید موسیقی استفاده می‌کنند. استفاده بیش از حد یک سری از ملودی‌ها و ریتم‌ها توسط این تهیه‌کنندگان تقریباً در تمام موسیقی عامه‌پسند غربی منجر به کوتاه شدن ضریب توجه موسیقایی شنونده شده و این مخاطبان پس از مدتی نسبت به هر قطعه‌ای که از این فرمول‌های ثابت پیروی نمی‌کند، واکنش منفی نشان می‌دهند. امری که منجر به افول شدید خلاقیت هنری در صنعت موسیقی شده است. دزدی محتوا و نقض حق تکثیر یا همان کپی‌رایت یکی دیگر از مشکلات این صنعت است.

انتشار مستقل؛ نوری در تاریکی

یکی از راه‌حل‌های اصلی موزیسین‌ها برای فرار از چنگال قراردادهای ناشران، این است که خود آثارشان را نشر دهند. در گذشته موسیقی به شکل عمده در قالب محصولات فیزیکی مانند صفحه و دیسک فروخته می‌شد و حتی در رادیو نیز قدرت ناشران حاکم بود و میزان پخش هر قطعه به رضایت آنان بستگی داشت. اما حالا انتشار موسیقی در قالب محصولات فیزیکی و پخش موسیقی در رادیو شیوه‌هایی هستند که نیازمند تشکیلات گسترده تولیدی و تبلیغاتی‌اند. اما انتشار دیجیتالی هزینه‌های گسترده انتشار فیزیکی را در بر ندارد و با سرمایه کمی قابل انجام است. این امر باعث شده در بسیاری از ژانرهای موسیقی که لزوماً در میان عامه‌پسندترین سبک‌ها قرار ندارند و خاصیت برند بودن ناشرها نقش به مراتب کمتری بازی می‌کند، شاهد استقلال هنرمندان از ناشران یا شکل‌گیری «هنرمندان مستقل» باشیم. هر چند در مراحل اولیه شکل‌گیری این جنبش، موفقیت با اقبال پایینی روبرو بود، اما امروزه برخی از مشهورترین هنرمندان موسیقی مانند گروه «آرکتیک مانکیز» موسیقی خود را به شکل مستقل منتشر می‌کنند.

در گذشته، کارهایی مانند موسیقی، تئاتر، نقاشی و امثال آن‌ها صرفاً مقام هنری داشتند. امروزه اما اکثریت این‌ها صنایع عظیم و بین‌المللی خود را دارند و بیشتر به عنوان راه‌هایی برای کسب درآمد استفاده می‌شوند. اصلی‌ترین مشکل این اتفاق نه تجاری شدن موسیقی، بلکه تجاری شدن آن به سود افراد واسطه و خارج از این هنر است. در دهه‌های اخیر در نیم‌کره غربی، صنعت موسیقی به شدت رنگ تغییر دیده است. انقلاب اینترنت شیوه دریافت و گوش کردن به موسیقی را عوض کرده، بافت اجتماعی این صنعت دگرگون شده و کنترل آن را تا حدی از دست ناشرهای بزرگ خارج کرده و به دست مصرف‌کنندگان داده است. اگر به دهه ۷۰ میلادی و اوج موسیقی راک بروید و برای آن‌ها وضعیت را توضیح دهید، به شما التماس می‌کنند تا با ماشین زمان آن‌ها را به زمان حاضر بیاورید. اما امروز موزیسین‌ها بیش از همیشه شاکی‌اند.

تهیه‌کنندگان علیه هنرمندان

در دوران پیش از اینترنت اگر می‌خواستید به موسیقی مورداطلاعه خود گوش کنید، بهترین راه روشن کردن رادیو بود یا اگر می‌خواستید کمی پول خرج کنید، محصولات فیزیکی مانند دیسک، صفحه و کاست می‌خریدید. هر دو این شیوه‌ها مستقیماً برای هنرمندان سازنده موسیقی درآمدزایی داشتند. انتشار دیجیتالی منجر به تقلیل قیمت موسیقی شده و سرویس‌های استریم موسیقی مانند اسپاتیفای درآمد را برای اکثر هنرمندان کمترشناخته‌شده تقلیل داده‌اند. با سیستم قدیمی، هنرمندان حداقل می‌توانستند نزدیک به ۳۰ درصد از درآمد کل صنعت را صاحب شوند. این رقم در سال ۲۰۲۰ به ۱۱ درصد رسیده است. ۸۹ درصد کل درآمد صنعت موسیقی به جیب ناشرها، سرویس‌های استریم، تبلیغ‌کنندگان و تهیه‌کنندگان می‌رود.

اگر رادیو را روشن کنید و کمی در میان ایستگاه‌های موسیقی پاپ بگردید، ناگهان متوجه می‌شوید که انگار



شماره ۱۶۹
۱۲ مرداد ۱۴۰۴
سال پنجم



راه کار برگزار می کند

دعوتارز 2025
به زودی...

Coming Soon

